

سلطان العلماء اجرا راجع به تأخیرش مخالفت داشتم

مختبر - فقط مخالفت آن بانای بوداگر مرحمت فرمایند و ماده دوم را پیوسته ملاحظه فرمایند خواهند دید در ماده دوم نوشته شده وزارت مالیه مأمور است از اول دواهدالسنه تا پانزدهم حوت شروع باجری آن کند در صورتیکه امروز ششم دلو است تصدیق بفرمایند بواسطه تأخیری که در تصویب لایحه شده و تا امروز هنوز در ماده اول او مذاکره می کنیم و معلوم نیست چندروز دیگر هم مذاکره در این لایحه تمام می شود نمی توانیم بگوئیم این اعتبار از اول دلو یعنی شش روز قبل اجرا شود

ثانیاً علت این تأخیر را کمیسیون قائل شده نه این است که نظریات آقای سلطان العلماء را متذکر نبوده البته آنچه کمیسیون بوده و نمایندگان در خصوص صرفه بولی می توانند اقدام کنند ولیکن یک نظر دیگری هم بود و آن این بود که یک کسرهائی که از بودجه اداری که تشکیلات آنها بر روی یک بودجه البته یک مدتی وقت می خواهد یک وزیر می خواهد هستند هزار تومان از بودجه وزارتخانه خودش کسر کند ناچار آقای سلطان العلماء و همچنین هیچک از

آقایان نمایندگان تصدیق نمی کنند که این کسر را بطور عمومی از حقوق تمام افراد کسر بکنند و بگویند از حقوق تمام اجزاء یک وزارتخانه مثلا تومانی دو قران یا سه قران کسر شود ناچار کمیسیون بودجه که از یک وزارتخانه هستند هزار تومان کسر می کنند آن وزیر نباید برود و اگر زیاد را حذف کند و بطوری کند که بالاخره در حدود آن اعتبار یک باور داده شده کار آن وزارتخانه اداره شود و این کار مستلزم دارد و این کار فوری نیست و کار در روز و سه روز و چهار روز نیست البته یکماه دوماه مدت لازم دارد تازوی کاغذ بیاید و بدقت اطراف کار ملاحظه شود بنابراین بنده تصور می کنم این تأخیری را که کمیسیون بودجه قائل شده بهیچوجه مثنائی باوظایف کمیسیون بودجه و وظایف نمایندگان که باین لایحه رای خواهند داد نخواهد بود چون همانطور که ما باید تقابل و صرفه جویی را در نظر داشته باشیم همانطور هم باید تصصیبات ماعدلی باشد و فقط یک حرفهائی دل خود را خوش نکرده باشیم

سلطان العلماء - اجازه میفرمایند رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه نطق)

فتح الدوله - بنده دستور کلیات اجازه خواسته بودم ولی بنده وقت نرسیده

رئیس - هر چه در کلیات می خواستید بفرمایند حالا بفرمایند

یکی از نمایندگان - بلندتر بفرمایند

فتح الدوله - از این بلندتر نمی توانم حرف بزنم - حالا چون آقای رئیس می فرمایند در کلیات هم می توانم حرف بزنم هرایش خود را میگویم

اولا بنده در اینکه بعضی آقایان می گویند این ورقه بودجه نیست بعضی می گویند بودجه است داخل نمی شود کاری ندارم که بودجه هست یا نیست علی ای حال در این ورقه که هست یک اعتباراتی بوزارتخانه ها داده اند که وزارت تشکیلات و وزارتخانه های خود را در زمینه این اعتبارات بکنند بنده عرض می کنم در همین ورقه هم متناسب ادارات منظور نشده چنانچه در موضوع وزارت پست و تلگراف آمده اند و یک سلفی از حقوق آنجا کسر کرده اند که یک روز یا بیشتر مشود

(گفته شد اینطور نیست)

فتح الدوله - چهارصد هزار تومان کسری قریب یک کرو

مختبر - هر قدر هست مطلب را بفرمایند

فتح الدوله - همه می دانند که وزارت پست و تلگراف در تحت نظر یک متخصصینی اداره شده که نمی شود گفت تشکیلات آنجا بقدری زیاد است که شود از تشکیلات آنجا بکاهند یا از حقوق اعضایش کسر کنند بنده تصور نمی کنم تشکیلات آنجا بقدری باشد که بشود یک کرو کسر کرد یکی دیگر راجع بعدلیه است

بطوریکه همه آقایان مسبقاً هنوز عدلیه و ولایات بودجه ندارد مگر چند جا که محاکم استثنائی دارد و در اغلب ولایات عدلیه کردی و خورده است از همین عدلیه مقداری کسر کرده اند در حالیکه بنده معتقد بودم و اگر نظامنامه داخلی بمن اجازه می داد عرض می کردم پیشقصدی هم که آقای وزیر عدلیه در باب بودجه عدلیه فرموده اند برای عدالت مملکت قبلی کم است و بملامه نمی توان گفت وزارت عدلیه تشکیلات زیاد دارد در مرکز منحصر به چهار محکمه ابتدائی و استیفاف و تمیز است

حاج شیخ اسدالله - حفت محکمه دارد

فتح الدوله - بلی هفت تا در هر صورت آن قدرها زیاد نیست که بخواهند از آن بکاهند و همانطور که عرض کردم حقوق افراد عدلیه خیلی کم است

مثلا رئیس استیفاف صدوسی تومان می دهند قاضی ابتدائی چهل یا پنجاه تومان بطور می شود از چهل پنجاه تومان کاست ؟ حوزه های استیفاف هم که حقوق دارد بودجه اش تقریباً دو هزار تومان بیشتر نیست ولی حوزه های ابتدائی و صلحیه ها هم بی بودجه است کروی خوردی است و همین عدلیه های کردی خوردی را هم بنده معتقد نیستم بر داریم برای اینکه ولایاتی که همه گونه عوارض و تعصیبات را هلهله دار هستند چرا نباید از لایحه تشکیلات بهره مند باشند البته باید تمام اداراتی که در مرکز هست و مردم مرکز آنها بهره مند می شوند باید در ولایات هم باشد و مردم بهره مند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - آقای فتح الدوله

شوند بطور می توانیم تصدیق بکنیم که ولایات عدلیه نداشته باشند

جاهانی که حوزه استثنائی است تازه وزارتخانه دوزار تومان بآنها می دهند باقی بکلی بی بودجه است اگر بخواهند این عدلیه ها را منحل کنند بنده معتقد نیستم همین طور حقوق افراد را هم گمان نمی کنم دولت در نظر داشته باشد کسر کند چون چیزی نیست که بشود کسر کرد پس در موضوع عدلیه هم بودجه بی تناسب منظور شده است در موضوع معارف هم بطوریکه سابقاً هاهزاره سلیمان میرزا در اینجا شرح مفصلی بیان فرمودند بقیه بنده هم بودجه معارف خیلی کم است اگر چه آقای مختبر معتقد فرمودند در بودجه معارف یک نظریات جدیدی دارند و ممکن است توسعه بدهند بهر حال همانطور که بودجه خیلی از این وزارت خانه ها کم است ممکن است معتقد شویم که بعضی ها هم حقوقش زیاد باشد

مختبر - کدام هستند

فتح الدوله - ممکن است مثلا معتقد شویم که اعتبار وزارت داخله یا وزارت مالیه زیاد باشد

پس همانطور که نسبت به بعضی وزارت خانه ها عرض کردم کم است ممکن است نسبت به بعضی معتقد شویم زیاد است مثلاً این بنده تصور می کنم بهتر این بود حالا که باصلاح هیئت دولت تجدید شده و یک اعتماد کامل نام و تمام نسبت به آقای مشیر الدوله ابراز شده همینقدر رئیس دولت که طرف اعتماد عموم هستند اعتبار داده شود که ایشان باو برای معتمد در حدود آن اعتبارات بودجه های جزء را بنویسند و بپجلس بیآورند و تصور نمی کنم تا اول حمل هم بیشتر طول بکشد منتهی باصرفه و تغلیل اما از روی احتیاج و ضروریات باید بنویسند تا ما بتوانیم درست از روی بصیرت راهی بدهیم والا باین طریقی که منظور شده و اعتبار داده شده و بپاش هم بر روی هایداتی است که همه افراد آقایان و کلا معتقدند که آن عایدات کم منظور شده و عایدات واقعی مملکت نیست بنده مغایم چون رایه مخارج بر روی آن عایدات گذارده شده و این مخارج هم غلط است یعنی اعتباراتی که برای دوسه وزارتخانه منظور شده صریحاً عرض می کنم خیلی کم است و همین طور بالعکس نسبت به وزارتخانه نسبتاً زیادتر منظور شده پس بقیه بنده خوب است به آقای مشیر الدوله که طرف اعتماد کامل تمام آقایان و کلا هستند اختیارات کاملی داده شود که آقایان بروند و بودجه تمام وزارتخانه ها را در حدود احتیاجات وزارتخانه ها بنویسند و بودجه های جزء را بپجلس تقدیم کنند تا ما از روی بصیرت کامل به آن صورت رای بدهیم والا باین ترتیب بنده نمیتوانم رای بدهم و زیاده بر این هم عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - آقای فتح الدوله

فرمودند رئیس دولت حالیه با کمال اعتمادی که عموم نمایندگان بایشان دارند بروند و مطابق احتیاجات مملکتی بودجه جزء را بنویسند و بپجلس بفرستند بلی همه آقایان این نظریه را دارند و کمیسیون بودجه هم وقتی این تصمیم را گرفت اگر مراجعه بفرمائید در راپورت کمیسیون هم نوشته شده است که اگر هر آینه بودجه های جزء خودشان را تا اول حمل به مجلس نیآورند بآنها یک دینار داده نخواهد شد همین نظریه که کمیسیون اتخاذ کرد با حضور آقای مشیر الدوله بود و خودشان در کمیسیون تشریف داشتند و این اصلی بود که با حضور و توافق نظر خود و رئیس محترم قلمی دولت در کمیسیون اتخاذ شد و برای جلوگیری از مخارجی که در وزارتخانه ها میشد و مجلس هم بهیچوجه اطلاع نداشت و برای جلوگیری از تفریط کاری و مخارج زیادی این اصل اتخاذ شد و دولت اجازه داده شد که در حدود این اعتبارات بودجه های خودشان را مرتب کنند و از دولت تقاضا شد که هر چه بودجه های جزء خودشان را بمجلس بفرستند اما نسبت به بعضی فرمایشاتی که بعضی از آقایان فرمودند (گویا آقای سلطان العلماء فرمودند) که اگر هر آینه تا اول حمل تأخیر بیافتد ضروری متوجه دولت می شود و باید مجلس رای بدهد از موقعی که رای داده می شود بموقع اجرا گذارده شود و مقصودشان از این فرمایش این بود که در نتیجه ضرر دولت کم شود ولی باید دانست که این نظریه کمیسیون مثنائی با عملی که دولت در نظر دارد نیست کمیسیون بودجه یک مهلتی دولت داده است که در ظرف این مدت دولت بتواند تصمیمات کمیسیون بودجه را بموقع اجرا گذارد و تصدیق می فرماید اگر بخواهند از آن موقعی که این رای داده می شود فوراً این تصمیم بموقع اجرا گذارده شود دولت نمی تواند کلاً این تصمیم را بموقع اجرا بگذارد زیرا عملی نیست دولت باید در بودجه جزء وزارت خانه ها و ادارات خود بکنظری بکند و ببیند کدام یک ادارات زیاد است کدام حقوق زیادی است و کدام مخارج را می تواند حذف کند و همین طور که سابقاً هم آقای مختبر توضیح دادند ما نظر نداریم این میزانی را که کسری کمیسیون تمام مستخدمین متناسب کسر کنیم مثلا تومانی دو قران و سه شاهی از اجزاء جزء کسر بشود خیر این نظریه که از طرف کمیسیون بدولت واگذار شده است برای این بوده است که دولت در بودجه جزء خودش وقت نکند و بپنجاه چیزهای زیادی که محل حاجت امروزه وزارتخانه ها نیست کدام است و آنها را حذف کند و مطابق این اعتبار یک باو داده میشود بودجه می نویسد و البته دولتی که محل اعتماد مجلس است در نظر خواهد گرفت که هر چه زودتر مطابق تصمیم و نظریه مجلس عمل کند و اینک امروز آقای رئیس الوزرا فرمودند من خودم در بودجه کابینه ریاست وزراء این تصمیم را قبل از رای مجلس بموقع اجرا گذاشتم اما دولت را مجبور نمی کنیم که حتماً تا اول حمل کند بکنند البته دولتی که ما باو اعتماد داریم در نظر دارد که هر چه زودتر این کار را عملی کند و انشاء الله

موفقیت هم حاصل خواهند فرمود اما راجع بقسمت های دیگری که آقای فتح الدوله فرمودند نسبت به بودجه پست و تلگراف و عدلیه و یک قسمت از فرمایش ایشان که راجع بعدلیه بود بنده هم موافقم بجهت اینکه هم در عدلیه بوده و تا درجه هم تخصص دارم آقای فتح الدوله هم در عدلیه هم در مجلس با بنده همکار هستند و حق دانستنك عدلیه را بسینه بزنند ولی باید دانست که سنگ مملکت بسینه زدن مقدم است در موضوع وزارت پست و تلگراف که می فرمایند یک بودجه مرتبی دارند صحیح است ولی یک حساب مرتبی که شما تصور می فرمائید ندارد بنده برای اطلاع حضرتعالی عرض میکنم مثلا اداره محاسبات تلگرافخانه راجع به محاسبات عایدات سه پیچی ایل بهیچ رئیس دولت در موقع زمامداری سابق خودشان قریب سه کرو در صورت عایدات را می دهد ولی بعد از زمان کابینه آقای قوام السلطنه صورت محاسباتش را دو کرو در دولت صورت می دهد و یک کرو تفاوت حساب است آیا این سزاوار است

این نسبت به محاسبات نسبت بخرچش همانطور که شما تصور فرمودید نیست زیرا وقتی صورت جزء از پستخانه می خواهند اداره محاسبات صورت جزء بدهد بنابراین آمدیم و مبلتی از بودجه پست و تلگراف کسر کردیم و در ضمن وزارتخانه ها را هم ملزم کردیم که اگر هر آینه تا اول حمل صورت جزء مخارج را به مجلس نیآورند حتی وزارت پست و تلگراف دیناری بآنها حقوق داده نشود برای اینکه باین وسیله بتوانیم صورت جزء را از وزارتخانه ها بگیریم و در وقت کنیم و اما اینکه می فرماید وزارت عدلیه بنده شما کم است صحیح است و تصدیق میکنم که بعضی ولایات عدلیه لازم دارد و خیلی خوب است که عدلیه در ولایات جزء تأسیس شود و اجزاء آنها دارای حقوق مکفی باشند کسی متکثر نیست حقوق اعضا و اجزاء عدلیه از سایر وزارتخانه ها کمتر است ولی در این حال تشکیلات وزارتخانه ها و ادارات ما باید با اندازه استطاعت و قدرت ما باشد باید بقدر وسع مالیه و دارایی ما باشد مثلا اگر برای بعضی ولایات استیفاف قائل شویم و بگوئیم برای آسایش و رفاه مردم در هر جا که حوزه ابتدائی هست یک حوزه استیفاف هم تشکیل شود و در نتیجه مردم برای استیفاف دادن مجبور نباشند از شهری بشهری مسافرت نمایند خیلی خوب است ولی باید دید که عایدی امروزه مملکت با این اجازه را میدهد که در تمام ولایات حوزه استیفافی دائر و برقرار کنیم

کدام نمی کم ضئف بودجه ما چنین اجازه را بپا بدهد این بود که کمیسیون بودجه حوزه استیفافی ولایات و مرکز را کلاً در نظر گرفته و در اطراف آن دقت و غور کاملی کرد این قدر تصویب نمود و مسلم است که کمیسیون بودجه نمیتوانست زیادتر از آنچه خود وزیر عدلیه پیشنهاد کرده بود تصویب کند بلکه قدری هم نظر تقلیل در آنچه وزیر پیشنهاد کرده بود داشت و کمیسیون وقتی مراجعه می کرد با حضور خود

وزیر عدلیه بود و همین طور راجع به بودجه پست و تلگراف با حضور خود وزیر پست و تلگراف بود که این تصمیم را گرفت و آنها هم حقا یک کمک و مساعدتهائی با کمیسیون کردند (حالانکه نمی خواهم در تشکیلات وارد شوم) ولی اگر وزارت عدلیه مجبور شود بودجه عدلیه را کسر کند شاید به بعضی معاکم وادارات زیادی در عدلیه باشد که وزیر بتواند آنها را منحل کند در حالیکه حقوق اعضا هم کسر نشده باشد آقای فتح الدوله می فرمایند در طهران چهار محکمه بدایت است اشتباه فرمودند بلکه چهار محکمه حقوقی است و دو محکمه جزائی است و دو محکمه تجارت که روی هم رفته هشت محکمه ابتدائی می شود و بقیه بنده هشت محکمه ابتدائی زیاد است و تصدیق خواهید فرمود که طهران هشت محکمه نباید داشته باشد و زیاد است (مثلا بعضی دوائر دیگر هم هست که بنده نمیخواهم داخل در جزء آن شده باشم ولی البته در صورتی که یک وقتی مالیه با اجازه بدهم می توانیم بودجه عدلیه را در تمام ولایات زیاد کنیم و همین طور می توانیم عدلیه را مثل قانون شرع برای خاطر آسایش اهالی مجانی بکنیم زیرا قانون شرع محاکمات را مجانی قرار داده یعنی از متداین نباید حقوق گرفته بشود امیدوارم روزی هم مملکت ایران موفق شود همین نظریه را اتخاذ کند و توسعه بر دوائر عدلیه بدهد و در تمام ولایات حوزه استیفافی دائر کند و آنها را مجانی کند ولی امروزه اینها مرام است ولی انشاء الله بعدها بهتر از این خواهد شد ولی امروز ضئف وقت مالیه با چنین اجازه را نمی دهد اما راجع برابردنی که کمیسیون بودجه بمجلس داده است بنده گمان نمی کنم کمیسیون بودجه بهتر از اینک در راپورت ذکر شده می تواند راه حلی برای تبدیل بودجه فکر کند و تصور می کنم بودجه مقضی هم نداشته باشد و امیدوارم با این ترتیب بزودی بودجه ها تبدیل و موازنه بشود

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده جزئی مخالفتی دارم و چون عضو کمیسیون بودجه هستم و شاید در اینجا هم همین مخالفت را داشتم لذا لازم دانستم اساس کار را مختصر عرض کنم وزارتخانه های در این مملکت تشکیل شده و یک بودجه ترتیب داده شده مجلس از وزارت مالیه سؤال کرد که عایدات چیست مخارج چیست ؟ کدام یک موافقت دارد ؟ کدام یک کسر دارد و کدام اضافه دارد ؟ از طرف دولت هم صورتهائی آوردند ما هم با بودجه هایی که عمل می کردند مطابق کردیم و بالاخره دیدم خرج بر عایدات اضافه دارد حالا چرا چه بود ؟ فعلا که نمیتوانیم عایدات را اضافه کنیم پس مجبور شدیم برای موازنه از خرج مقداری کسر کنیم به شکل ممکن و باو مخارج کسر کنیم این بود که صورت سابق وزارتخانه ها خواسته شد و بمناسبت آن صورت از هر کدام مقداری به تناسب کسر شد

از بعضی وزارتخانه ها زیادتر و از برخی کمتر
کمرشده چیزی که هست ادارات عدلیه و وزارت معارف
يك تشکیلات تازه است که در زمان مشروطیت
تشکیلات آنها داده شد .

ولی وزارتخانه هایی که جزء تشکیلات استبدادی
است و همان ترتیب قدیمه را دارد و تا بحال هم از بین
نرفته است بنده با آنها در کمیسیون مخالفت کردم و
حال هم مخالفت میکنم مثلا یکی وزارت داخله است
آنها نه با بودجه اداری وزارت داخله مخالف باشم
خیر برای اینکه بودجه اداری وزارت داخله از سایر
ادارات هم نسبتا کمتر است بلکه منابع هنگفت راجع
به حکام است چون وقتی حال حکام را نگاه می کنیم
می بینیم همان حال استبداد است بلکه اگر حال
حکام بدین عنوان باقی بماند این مشروطیت در ایران
نخواهد بود و مشروطیت و آزادی هم نخواهد
رفت مثلا فرض بفرمایید يك حاکم نامیده از طرف
وزارت داخله است يك رئیس معارف هم از طرف
وزارت معارف است يك رئیس عدلیه و يك رئیس
مالیه هم هست اینها هر کدام امور مستقل این وزارت
خانه هستند آنوقت ملاحظه می شود آقای حاکم مامور
یکبار و بیا صد تومان می گیرد رئیس معارف ماهی
پنججاه تومان یا اینصورت ممکن نیست کسی که پول
دارد بگذارد که بگذارد دیگر حکومت برسد ولی اگر
بوده که شد خود آنوقت آن آقا دست بر میدارد حتی
بعضی ها بیک حکومت بزرگ میروند مثلا والی ایالت
آذربایجان میشود و با آنکه وسیع بزرگ مقامات
نمی تواند می خواهد خسته را هم جزء حوزه ایالتی
و حکومت خود قرار دهد در چنین قلی که بگذارد
حاکم و فرماندار آذربایجان شصت و شش هزار تومان
ماهیه حکومت خود نموده بود

بنده مثلا از رئیس الوزرا وقت نموده و به
ایشان عرض کرده .
آقا تمام این قدر آقا برای یک نفر حاکم نمی
تواند که خدمت نامه عریضه نامه بفرستد او نموده
آقای رئیس الوزرا نظام را در دست آقا نهاده و
چگونه آدم بزرگ است عرض کردم چه چیز بزرگ
است ؟ عرض بزرگ است ؟ عیش و زور است ؟ یا
چنانچه بزرگ است ؟ یا اعتبار و یا تدبیر از او آدم
زیاد است بعد مسلم شد که چون آقا عایدات زیاد
دارد و صاحب ثروت و مالک املاک و دارای کروز و
بارک و اتومبیل است ناچار این بجهای غلبی بزرگ
برود حتی آقا حکومت ایالت و سایر مثل آذربایجان
را هم برای خود کافی نداشته و بخود هم جزء مقر
حکمرانی خود نمیکند سابقا ما بموجب قانون چهار
ایالت تأسیس شده . ایالت مازندران ایالت شرق
ایالت غرب ، ایالت فلان واقعا و قریبکه شخص
روزنامه ها را می بیند تعجب می کند مثلا می گوید
چون کرمانشاهان اهمیت داشت حقوق معاونش را
زیاد کردیم باین قاعده فردا اگر در خدمه يك فوج

دزد پیدا شد باید حقوق معاونشرا اضافه کرد چرا ؟
برای اینکه اهمیت پیدا کرده در این صورت آنجا
امن خواهد شد خوب است عرض اضافه حقوق معاون
آزان زیاد کنند تا غائله رفع شود بنا بر این عقیده
بنده اگر حکام مثل رؤسای یکی از ادارات قرار دهیم
اشخاص صالح و قانمی پیدا خواهند شد در کمال قناعت
و صلاحیت قبول این شغل را خواهند کرد در يك شهر و
ولایات عدلیه هست کار عدلیه را می کند ولی حکام
متعدد میروند عدلیه دیگر نمیتواند کار بکند و مجبور
است نوکر آنها کم شود مثلا وقتی بعضیها میگویند
بیا به حکومت برویم بگویند رئیس عدلیه ، رئیس مالیه یا
رئیس فلان باید بتصدیب من فرستاده شود و دولت
نظر من کار کند والا نمیروم بلکه در بعضی جاها حاکم
خودش را از وزارت داخله بالاتر می داند این است که
کشته نسبت بودجه وزارت داخله آنوقت نسبت بودجه
حکام مغالطه حالا قبلا خود جواب خود را می گویم
بعد جواب را عرض میکنم میگویند اینها بنده اقتضای
وقت است بنده عرض میکنم دنیای امروزه همچون
اقتصادی را ندارد که آدم های خیلی بزرگ حکومت
برسند و دلهای خیلی دارا و بزرگ مقتدر فرمانروایی
تشریف ببرند و از مردم به نفعی زیاد بگیرند و اشخاص
را زیر دست خود قرار دهند ادارات را نوکر خودشان
بکنند هیچ وقت همچون اقتصادی را ندارد بلکه عرض
اینکه بیکبار هزار و پانصد تومان دوازده تومان بدهند
باید حاکم بفرستند که ما در دست نه سال حقوق داشته
باشد و آن هزار و شصت تومان مابق را خوب است
بآزان معارف بدهند تا آنوقت آدم های صالح
در حکومت دارند و در نتیجه آن بزرگ و وسیع برای
وقت به حکومت کمتر بشود و دیگر در روزنامه نخواهد
حکومت فلانیا و فلانیا ... پنج و شش جا پشت سر هم
حکومت بآقا داده شده است بنده وقتی در روزنامه را
خواندم ترسیدم و در آنک از قهر و خشم و آنک از قهر و
خشم داک می رفتم بآقا داده شده باشد که نور قهر و
هم از این متعجب گشت بنده عرض میکنم آقای مشیرالدوله
مشروطه خواه هستند و از قانون هم خبر دارند البته
تشکیلات سابق اصلاح خواهند فرمود هیچ مصدق هم
نخواهد کرد آنکسانکه در ادارات خدمت می کنند
ابتدا از حقوق آنها کسر نخواهد شد مثلا باید مشی ها
همه یکسان باشند و رؤسای ادارات همه یکسان باشند
بنده در يك وزارتخانه ندیدم حقوق رؤسای در اداره
با هم موافق باشد چه رسد بدو وزارتخانه یکی
صد تومان است دیگری سیصد تومان چنانچه این است
بعد تومانی وقتی برده متر بده ، قوه برده ،
چه برده ، ان شاء الله آقای مشیرالدوله رئیس الوزرا
و تنبی اتخاذ خواهند فرمود که این امور اصلاح بشود
که کلیتا در این مملکت مشیها اول مندا تا وزارت
هر قدر هستند حقوقشان مساوی باشد ترفی آنها معلوم
باشد و کلیتا رؤسای ادارات مملکت مساوی بشوند
آنوقت و وسائلی که زیاد ترمی برتند کسر شود آنوقت
اگر حکام را هم رئیس اداره فرض کنیم دیگر آن بزرگ

نمی شود که من حکما باید حاکم بشوم همانطوری که
رئیس مالیه میروم حاکم هم بیروم والا خود بنده در
عثماني دیدم حاکم كيف دردستش و نوکرش هم عقیب
میرفت چیز خرید برد در صورتیکه هر امری که میکرد
اجرا می شد هیچ نگاه نمیکردند ببینند قاطر خانه و
اسطبل دارد یا خیر اینها همه در ایران است که حاکمها
را پادشاه کوچک میدانند و به آندستگاه بار میکنند
میروند البته آنها تکیه باین همه آدم میروند چیز میخواهند
اما رئیس مالیه یا یک نفر نریخته در يك درشکه
میروند کار هم می کنند اگر اینطور بشود واقعا مشروطیت
زنده می شود و سایر ادارات زنده می شوند و معارف
و عدلیه و مالیه در تحت حکم حاکم نمیروند و در مملکت
عثماني رؤسای ادارات هر هفته با هم جلسه دارند و
مذاکره می کنند و رای می دهند که چه میکنند و با هم
برادر میشوند ، من در اوقاف بودم رئیس معارف عراق
تکراف کرد که من در يك اطاق بودم حاکم امر کرد
میرا بیرون کردند اما هر چه تکراف کردم آنهمه
عجالت مال توان اطاق را باورید جواب داد جای
او کرمان حکم است او بیرون منزل کرایه کند اینها
بدانست امیدوارم این کابینه حکام را هم مثل روسای
ادارات قرار دهیم در اینصورت از بودجه وزارت داخله
کم میشود و می توانیم زیادت آنرا در معارف و
عدلیه مصرف کنیم و ان شاء الله يك ترتیب صحیحی
داده خواهد شد
رئیس - چون مدتی از شب گذشته است عقبه
مذاکرات می ماند برای جلسه دیگر
(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند
در جلسه آینده رای میکنیم ، آقای حاج نصیر السلطنه
با چند نفر از آقایان طرح قانونی پیشنهاد کرده اند
قراوت میشود و بکمیسیون مبتکرات ارسال میشود
(آقای تدین بضمون ذیل قراوت نمودند)
نظر باشک یکی از مسائل بدیهی این است که
نایندگان سیاسی هر مملکت باید اطلاع کامل از
اوضاع و احتیاجات و جریان سیاست مملکت خود داشته
باشند که بواسطه بصیرت خود قادر باشند مصالح آنرا
حفا نمایند و این اصل در تمام عالم محفوظ و منظور
است مناسفانه اکثریت نمایندگان سیاسی ایران نه تنها
سازهای عریضه از مملکت خود خارج و از اوضاع وطن
خود بی اطلاع هستند بلکه بعضی از آنها اصلا در تمام
مدت عمر خود پای تحت مملکت خود را ندیده اند و
شاید بواسطه حلول اقامت در خارجه تکلم زبان فارسی
را فراموش کرده باشند
برای اینکه این عیب اساسی مرتفع شود مواد
قانونی ذیل پیشنهاد میشود
ماده (۱) - کلیه نمایندگان سیاسی ایران در
مملکت خارجه حق ندارند کیش از چهار سال دور خارجه
مأموریت داشته باشند مگر اینکه در آخر چهار سال
بایران آمده و لااقل شش ماه در مملکت خود توقف
نمایند

ماده (۲) این قانون نسبت بنا قبل خود دارای
اعتبار خواهد بود و کلیه نمایندگان سیاسی دولت ایران
که تا تاریخ تصویب این قانون بیش از چهار سال در
خارجه مترقب بوده اند باید نسبت با آنها بر طبق ماده
اول رفتار شود

قلین - با مضای می نفر است
رئیس - جلسه آتی روز شنبه یک ساعت غروب
مانده دستور جلسه بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون
بودجه آقایان موافقت ؟ (گفتند بلی)
مجلس تقریبا سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم
شد رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن المملک

جلسه ۶۳
صورت مشروح مجلس یوم شنبه
بیست و نهم جمادی اولی ۱۳۴۰
مطابق هشتم ذی ۱۳۴۰

مجلس تقریبا یک ساعت قبل از غروب در تحت
ریاست آقای مؤتمن المملک تشکیل گردید .
(سرور مجلس یوم شنبه ششم در آقای تدین
قراوت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا
نیست ؟
آقای فتح الدوله .

(اجازه)
فتح الدوله - بنده در ضمن بیان عرض کردم
همانطور که بودجه وزارت خانه پست و تلگراف و عدلیه
و معارف را کم میدانم بودجه دوسه وزارتخانه دیگر
را از قبیل وزارت داخله و وزارت مالیه و انحصار میدانم .
رئیس - دیگر اعتراضی نیست ؟
(نظایری نشد)

رئیس - صورت مجلس باین اصلاح تصویب
شد در جلسه گذشته بنا بود شش نفر برای کمیسیون
عدلیه و مالیه و کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات
انتخاب شوند طبق نظر آقای امیر انصار برای کمیسیون
مالیه همین شده اند برای سایرین باید تجدید انتخاب
بشود برای کمیسیونهای خارجه و عدلیه کسی اکثریت
پیدا نکرده يك نفر دیگر هم برای کمیسیون مالیه لازم
خواهد بود باید انتخاب کنند و يك نفر هم برای
کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات قانون تفرغ
بودجه بکماله توفیق ثیل و تفرغ معاصات پنج
ساله مجلس راجع باوقات قدرت در کمیسیون معاصات
رسیده است طبع و توزیع می شود جزء دستور و شنبه
خواهد بود راپورت کمیسیون بودجه راجع بقضای
هزار و پانصد تومان از طرف دولت برای مخارج
انتخابات رسیده قراوت میشود و رای میکنیم .
(آقای نصیر الدوله بضمون ذیل
قراوت نمودند)

کمیسیون بودجه بتاریخ هشتم ذی ۱۳۴۰ پیشنهاد
دولت رامینی بر تقاضای يك هزار و پانصد تومان اعتبار
برای مخارج انتخابات تحت مطالعه در آورده و
با اکثریت آراء ماده واحد پیشنهادی دولت را تصویب
می نماید .

رئیس - آقای فیهیم الملك .
(اجازه)

فیهیم الملك در صورتی که در راپورت
کمیسیون بودجه بطور کلی مذاکره میشود گمان می
کنم این راپورت دیگر مورد نخواهد داشت زیرا در
یکی از مواد آن اعتباری برای دولت منظور شده که
بمخارج فوری و غیر مترقبه میرساند البته مخارج انتخابات
را هم از همان محل باید بپردازند مخارج انتخابات
منحصرا بحدود هزار و پانصد تومان نیست زیرا در
چندین نقطه از قبیل طهران و خراسان باید تجدید
انتخابات بعمل بیاید بنابراین اگر مجلس موافق باشد
بهر این است همان راپورت کمیسیون را تصویب میکنیم
که ضمنا این تقاضا هم تصویب شده باشد و خدمت دوباره
نداشته باشیم .

نصیر الدوله مخیر کمیسیون بودجه -
این نکته را که آقای فیهیم الملك فرمودند خود بنده
هم در موقع تقدیم راپورت و مذاکره در کمیسیون
متذکر بودم البته اگر اطمینان حاصل بود باینکه
امروز راپورت کمیسیون بودجه از مجلس بگذرد باید
جلسه آتی تمام می شود این تقاضا از طرف دولت
نیست و ما هم این راپورت را ننهادیم اما همانطور
که آقایان ملاحظه می فرمایند راپورت کمیسیون بودجه
با ضمیمه آن يك چیز مفصلی است و ممکن است
چهار پنج جلسه دیگر در آن باب مذاکره شود و این
هزار و پانصد تومان برای مخارج انتخاباتی است که
الان جریان دارد و الا همانطوری که فرمودند کلیه
مخارج انتخابات بیش از هزار و پانصد تومان خواهد
بود و علت اینکه دولت بیش از این تقاضا کرده برای
همین است که برای مابقی در نظر دارد از همان اعتبار
بیش بینی شده در بودجه مصرف شود لهذا کمیسیون
صلاح دانست که این هزار و پانصد تومان فوری تصویب
شود تا انتخاباتی که در جریان است متوقف نشاند .

رئیس - آقای محمد شام میرزا - بنده موافقم .
رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله .
(اجازه)
شیخ اسد الله - موافقم .
رئیس - آقای مستشار السلطنه .
(اجازه)
مستشار السلطنه - بنده هم موافقم .
رئیس - آقای آقا سید مقرب شما چه طور .
رئیس - فرمایید .
آقای سید مقرب - بنده می خواستم از آقای
مخیر سوال کنم که آیا این صورت هم مثل بودجه
مملکت است که بگرایب تعیین صورت جزء جمع و
خرچش مشکل است و ما هم این هزار و پانصد تومان را
بدون اطلاع از صورت جزء آن رای بدیم باید بصورت جزئی
اول معلوم شود بعد برای بدیم بنابراین خوب است
توضیح فرمایند که صورت جزء آن چه شده .
مخیر - البته تصدیق می فرمایید برای
مخارج انتخابات صورت جزء صحیح پیدا کردن

رئیس - راپورت کمیسیون مبتکرات راجع
کار خرابی مشکلی است این اعتبار برای مخارج انتخاباتی
خواهد بود که در جریان است و دولت هم نمیتواند
صورت جزء آنرا تعیین کند در سه چهارم نقطه مختلف
انتخاباتی در جریان است مطابق قانون مخارج را
باید دولت بدهد البته وزارت مالیه بعد از انتخابات
صورت جزء مخارج آنرا میخواهد ولی قبلا نمی شود
صورت جزئی را معین نمود
رئیس - آقای فتح الدوله موافقت یا
مخاف ؟
فتح الدوله - عرضی که میخواهم بکنم
آقا مخیر فرمودند .
رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟
(اعتراضی نشد)
رئیس - رای میکنیم آقایانی که را راپورت
کمیسیون را تصویب میکنند ورقه سفید و قاریکه
تصویب نمیکند ورقه آبی بفرستند خواهند داد .
(در این موقع شروع بباخت آراء شد و آقای
سهام السلطان بصریق ذیل استخراج نمودند)
عدد رای دهندگان ۶۲ نفر ورقه سفید علامت
قبول ۶۱ .
رئیس - از ۶۲ نفر آقایان نمایندگان ما اکثریت
۶۱ رای تصویب شد .
(اسامی رای دهندگان)
آقای مساوات - آقای سلیمان میرزا - آقای
آقا شیخ ابراهیم رضائی - آقای آصف الملك -
آقای سرارمغرم - آقای میرزا ابراهیم خان ملک
آرائی - آقای آقا میرزا مهرشاد شکیانی - آقای
سهم السلطان - آقای آقین السلطان - آقای بشار -
الملك - آقای حاجی زاده - آقای غریب نادر -
آقای بشار الدوله - آقای تدین - آقای رکن الملك
آقای سردار معظم کردستانی - آقای شیخ الاسلام
ملایری - آقای مستشار السلطنه آقای اعظم العلماء
آقای میرزا هاشم آشتیانی - آقای امین الشریع -
آقای شیخ الاسلام اصفهانی - آقای منتصر الملك -
آقای آقا میرزا ابراهیم قلی - آقای عبدالملك
آقای حاج میرزا تقی خان - آقای معین العلماء -
آقای صدر الاسلام - آقای آقا سید فاضل کاشانی
آقای غفران خان - آقای میرزا محمد نجف - آقای
نصیر الدوله - آقا حاج میرزا علی محمد دولت
آبادی - آقای فتح الدوله - آقای حاج میرزا
مرتضی - آقای بدالملك - آقای آقا سید مقرب
آقای خلیل الملك - آقای عماد السلطنه خراسانی -
آقای آقا سید کاظم زردی - آقای عبد السلطنه
آقای مؤتمن السلطنه - آقای حاج شیخ اسد الله آقای
سید السلطنه - آقای امین الشجار - آقای ملک الشعراء
آقای وکیل الملك - آقای مستشار السلطنه - آقای
دکتر انان - آقای حاج میرزا اسد الله خان - آقای
سردار جنگ - آقای محمد شام میرزا - آقای مصداق
السلطنه - آقای سقیر دیوان - آقای احتشام الدوله
آقای شیخ العزاد زاده - آقای میرزا سید حسن
کاشانی - آقای وفار الملك - آقای آقا میرزا محمد
حسین صدرائی - آقای رئیس الشجار .
رئیس - راپورت کمیسیون مبتکرات راجع

بطرح قانونی آقای فهیم الملك درخصوص قانون استخدام مطرح است آقای سیدالملك (احضار برای قرائت واپورت)

(آقای سیدالملك راپورت كميسيون ميتكرات را بمضول ذيل قرائت نمودند)

كميسيون ميتكرات درمعرضه ۲۹ جمادى الاول تشكيل و بطرح قانون استخدام پيشنهاد آقای فهيم الملك مراجعه و باكثریت تام قابل توجه دانست هرچه زودتر به كميسيون مخصوص رجوع فرمايند كه راپورت آنرا برای مجلس مقدس تهيه نمانند .

رئيس - مخالفی نيست ؟ (اظهاري نشد)

رئيس - رأی ميگيريم به قابل توجه بودن اين طرح قانونی آقایانی كه قابل توجه می دانند قيام فرمايند .

(اكثر نمايندگان قيام نمودند)

رئيس - قابل توجه شد حالا طرح آقای فهيم بايد به كميسيون برود ولی معلوم نيست بكماد كميسيون رجوع شود بايد پيشهادی بشود . . .

آقای محمد هاشم ميرزا - (اجازه)
محمد هاشم ميرزا - كميسيون داخله نقداً كارش كمتر است گمان ميكنم به آنجا مراجعه شود بهتر است .

رئيس - آقای فهيم الملك (اجازه)
فهيم الملك - بنده تصور ميكنم اگر يك كميسيون شش نفری مخصوصاً برای رسيدگي باین كار از شعبات انتخاب شود مناسب تر باشد

رئيس - آقای حاج نصير السلطنه (اجازه)

حاج نصير السلطنه - بنده ميخواستم عرض كنم مناسبتر اين است كه به كميسيون عدليه ارجاع شود

رئيس - ۳ فقره پيشنهاد رسيده است يك فقره پيشنهادی است از طرف آقای فهيم الملك راجع باین كه كميسيونى از شعبات معين شود پيشنهاد ديگرى از طرف آقای نصرت الدوله رسيده است كه به كميسيون عدليه ارجاع شود شاهزاده محمد هاشم ميرزا پيشنهاد کرده اند بكميسيون داخله رجوع شود

محمد هاشم ميرزا - پس از آنكه پيشنهاد شد به كميسيون عدليه برود بنده ديگر عرض ندارم .

رئيس - پس پيشنهاد ثان را مسترد ميداريد ؟

محمد هاشم ميرزا - بلى

رئيس - رأی ميگيريم پيشنهاد آقای فهيم الملك كه از هر شعبه يك نفر معين شود آقایانيكه اين ترتيب را تصويب ميكنند قيام فرمايند

(اكثر نمايندگان قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد اعضاى كميسيون را بعد از ختم جلسه انتخاب خواهيد فرمود راپورت كميسيون تعقيب انتخابات راجع بشايد غار و فشاويه مطرح است آقای رئيس التجار مخالف بودند ؟

رئيس التجار - بلى

رئيس - بفرمائيد

رئيس التجار - مسئله انتخابات غار و فشاويه

وقتی به مجلس ميرسد به شيعه دوم ارجاع ميشود در شيعه دوم آقای تدین مخبر بودند بمذاکره و مذاکره راپورتی حاضر ميکنند و بواسطه قانونی نبودن انتخاب فشاويه انتخابات آن جا را صحيح ميدانند و رد می کنند و همچنين چون انجمن نظار مرکزى رأی خودشان را نداده بودند فرار ميشود در راپورت بنويسد كه انتخاب فشاويه و انجمن نظار مرکزى آنجا تجديد بشود اين راپورت در دوسه هفت حالا چيده شده است كه بمشعبه منحل شده و اين مسئله دوم تيره بكميسيون رفته بنده مطلع نشدم بعد ميروند بكميسيون در كميسيون آقای سفير السلطنه رئيس و آقای تدین مخبر بوده اند آقای سفير السلطنه وقتی باین مسئله ميرسد از عضویت و رياست استعفا ميدهد هلترا بنده نميدانم بعد هم آقای تدین استعفا ميدهند علت آن را هم نميدانم زیرا راپورتی را كشمبه دوم تويه کرده بود بكني مخالف اين رأی كميسيون بود از وقتی كه انتخاب غار و فشاويه بعمل آمده است تا وقتی كه مجلس شورايملی افتتاح شده ما بين انجمن نظار مرکزى و انجمن نظار فشاويه و وزارت داخله و ايالت طهران و رئيس الوزراء وقت يك تذكراتی بوده است و شكايات مفصل هم شد چنانچه اخوى آقای ملك الشعراء آقا ميرزا محمد موقى كه مدير روزنامه ايران بوده اند در روزنامه ايران شرحى بمنى بر تهديد و خلاف قانون بودن آن انتخابات بنويسد بالاخره بهكم رئيس الوزراء كميسيونى در وزارت داخله تشكيل مى شود در آن كميسيون معلوم ميشود كه فقط بكنفر نماينده از طرف انجمن مرکزى در فشاويه بوده است و آن هم بعقيده من برخلاف قانون انتخابات است زیرا قانون انتخابات می گويد اگر انجمن مرکزى يك حوزه كه در دست است بخواهد انجمن بفرستد بايد بتصويب حكومت محل انجمن بفرستد در اينجا فقط يك نماينده فرستاده اند راجع بدو فقره اعتراضى كه خود آقای ملك الشعراء مخبر در راپورت مى نويسند يكى راجع بمقتضاست كوتاهتر از انجمن نظار مرکزى غار و فشاويه سؤال ميشود كه چرا برخلاف قانون انتخابات (كه مى نويسد بايد از دروزالى يك ماه قبل از دادن تفرغ اعلان انتخابات بشود) در فشاويه اعلان منتشر نكرده ايد در جواب مى گويد همان شيبى كه بنده وارد شدم حاكم اعلان انتخاب كرد و فردا صبح مشغول توزيع تفرغ شده معلوم مى شود مدت اعلان بموجب آن تفصيل كه نماينده نظار مرکزى گفته چهارده ساعت الى بيست ساعت بوده و ديگر اينكه چنانچه در راپورت مخبر محترم آقای ملك الشعراء مرقوم فرموده اند در دوسه هفت هم متعرض شده اند كه حاكم فشاويه بوزارت داخله شكايات ميكنند كه چند روز است اوراق و تفرغ و صندوق برای فشاويه رسيده من هم محل حكومتى را برای اينكه بهمه جاى بلوك دسترسى داشته باشد تفير دادم و كد خداها و اهالى را اطلاع دادم در آنجا جمع شوند ولی مأمور انجمن نظارت مرکزى هنوز وارد نشده و ضمناً از خارج اجتماع مردم و كد خداها شكايات ميكنند و تاخير ورود نماينده انجمن مرکزى را ضرر دولتمى -

شمارد معلوم مى شود حاكم فشاويه شخصاً در اين كار دخالت داشته كه قبل از آنكه انجمن مرکزى وظيفه خود را انجام دهد و نماينده خود را بفرستد ايشان تمام رعايا را (و بعقيده بنده بعضى كماني را كه مطابق ميل ايشان بوده) خبر مى كند و متحمل مخارج آنها مى شوند اين يك چيز غريبى بنظر مى آيد يعنى اعلان نشود و يك اشخاصى را حكومت قبل از آمدن مأمور انجمن مرکزى بعمل خودش جمع كند و آنوقت بوزارت داخله شكايات كند كه پنج شش روز است كد خداها را حاضر کرده ام ولی مأمور انجمن نيامده و وقتی هم مأمور انجمن رسيد مجال ندهد و بفاصله ۲۴ ساعت پس از اعلان (در صورتيكه معلوم نيست اعلان كرده باشد) شروع توزيع تفرغ نمايد چند كاذب هم در دوسه بود كه يكى از آنها يك قطعه چلووار خيلى بزرگى بود و گمان ميكنم دوسه سصد مهر داشت كه آنها را بوزارت داخله و ايالت طهران ميروست بكنفر هم بكنفر شورايملی مي فرستاد و مضمون همه آنها اين است كه چون آقای قوم الملك شخصى در ستكاري هستند ما ايشان را انتخاب كرديم در بالای مهرشان تفرغ خود را مى نويسند و در حقيقت حال آرائى را پيدا مى كند كه امضا كرده باشند يكى از نمايندگان مجلس كه لازم نيست اسمش را ببرم ميگفت من بمذاكرت رفته بودم و در مراجعت پسر من شكايات كرد كه آقای مقوم الملك مرا خواست و وقت رهايى آن ملكى كه در فشاويه دارى بايد در باره من رأی بدهند و اگر ندهند در موقع آوردن جنس بآباز من باتوفلان و فلان خواهم كرد در قانون انتخابات همانطور كه عرض كردم مى نويسد انجمن نظارت مرکزى بنقاطى كه بهيج وجه مراعات نشده و يا كمال جرئت حاكم فشاويه قبلاً بكنفر تشكيل داده محل آنرا تعيين نموده و اهالى كه از مختصات انجمن نظارت مرکزى است بجا آورده است خود آقای مقوم الملك برای اين كه مطمئن نبودند مردم زیر بار بروند بغط خود بوزارت داخله مى نويسند كه در موقع اخذ آراء احتمال ميروند دو حضرت عبدالعظيم و فشاويه يك نشانه ها بشود استدا مى كنم بفرست چند نفر ژاندارم و مأمور يا بكنفر ستيد چون بنده سابقه ايشان را درست نميدانم در هر صورت به تقاضاى ايشان ترتيب اثر داده شده و فوری مأمورينى اعزام شده است اهالى كه در زاويه مقدمه شده اصلاً تاريخ ندارند و معلوم نيست كه در چه تاريخ اين اعلان شده آن وقت هم مدت را برای دادن تفرغ ۱۰ روز معين كرده اند بعد از چند روز بموجب يك نمره اعلان خطى كه در دوسه بهر هيئت انجمن ديده مى شود بنويسد ۱۰ روز كه ما برای اخذ آراء معين كرده ايم اشتباه شده است تازه روز بيشتر وقت معين نشده پس از ۵ روز آراء قبول نميشود بملاوه ماده ۴۲ قانون انتخاباتى نويسد نمايندگانى كه برای مجلس انتخاب ميشوند بايد به مهر يا امضای انجمن نظار و حكومت محل اعتبار نامه در دست داشته و تسليم دفتر مجلس شورايملی نمايند اين انتخاباتى كه حالا به مجلس آمده متأسفانه با كمال

جديتى كه از طرف وزارت داخله و هيئت وزراء و حكومت حضرت عبدالعظيم بعمل آمده است اگر به دوسه رجوع شود معلوم ميشود اين انتخاب بتقاضاى كه بوده و توسط كه انجام يافته و انجمن نظار هم چون اين انتخاب را غلط دانسته اند زیر بار نرفته و از نوشتن صورت مجلس و دادن اعتبار نامه استنكاف كرده اند اثن است شرح انتخاب آنجا كه هيچ قسمتش به عقيده بنده موافقت با قانون نميكنند باقى قضاوتش بامجلس شورايملی است

مخبر - بنده تصور ميكردم راپورت مبسوط و مفصلى كه تقديم مجلس كرده ام ديكر مورد اعتراض جديدى برای آقایان باقى نماند ولی متأسفانه يا بان راپورت اهميت نداده اند يا حقيقتاً تصور كرده اند اعتراضات ديگرى هم بوده است و بنده نوشته ام مخالفهائى كه نماينده محترم كردند وقتى تمام را با هم مزوج و تفكيك كنيم بالاخره منتهى بان دو قسمت اعتراض ميشود كه ابتدا از طرف انجمن نظار مرکزى شده بود بنده هم مطابق رأی كميسيون تعقيب انتخابات آن را اعتراض را رد كرده ام زیرا جز اين اعتراض در اعتراضاتى را هم كه نماينده محترم فرمودند بنده هم بطور خلاصه اشاره كرده بودم و در حقيقت آن ها را اعتراض نميدانم مي فرمايند در شعبه اين اعتبار نامه رد شده بنده تعجب ميكنم اگر در يك شعبه اعتبار نامه رد شده باشد بايد به مجلس بيايد و در مجلس معارض شود بطور ميشود يك اعتبار نامه در شعبه رد شده باشد و مسكوت عنه باشد بر كردن به كميسيون تعقيب انتخابات اين خيلى جاي تعجب است در صورتيكه اگر ما بخواهيم با نظر اشخاصى هم كه نظر بديني باین انتخابات داريم موافقت كرده و تمام اعتراضات آن ها را رد كرده ايم باوجود اين نمى توانيم آن را رد شده به پنداريم زیرا بالفرض انتخابات فشاويه همانطور كه انجمن نظار مرکزى مدعى است باطل باشد

انتخابات حضرت عبدالعظيم كه تقريباً ۲ هزار رأی دارد كه محل تعرضى نيست برای اينكه يك قسمت از انتخابات را خود انجمن مرکزى تصديق ميكنند و قسمت ديگر را هم چون يك نفر از اعضاى انجمن مرکزى شانس داشته بالاخره خودش دانديد بوده و انتخابات فشاويه او را در اقليت مى انداخته است .

قسمت فشاويه را مورد اعتراض قرار داده اند در آن شعبه هم كه اظهار فرمودند انتخابات غار و فشاويه رد نشد خود بنده هم در آن شعبه عضويت داشتم منتهى شعبه بان استاد مدار كى كدر كميسيون ما متوجه شديم بر نرورده بودند و بالاخره تصميمى گرفته بودند كه انتخابات قسمت فشاويه تجديد نشود .

پس از اينكه اين دوسه از طرف رئيس مجلس بكميسيون تعقيب ارجاع شد در آنجا تعقيقات كرديم و آن راپورتى را كه از شعبه صادر شده بود تحت نظر قرار داديم و در آن روزى هم كه مذاكراتى -

كرديم آقای حاج نصير السلطنه استعفا نداده بودند آقای تدین هم مخبر بودند و اعضاى كميسيون همه حاضر بودند پس از آنكه دقت كرديم استاذى بدست آورديم كه آن استاد اعتراضات انجمن مرکزى را رد ميكرود از اين نقطه نظر پس از تعقيقات كامل توانستيم اعتراضات انجمن را وارد ندانيم و بنده يك قسمت از دلائل آن را در راپورت ذكر كرده ام و نمى خواستم دلائل ديگر را از بعضى نقطه نظر ها اشاره كنم و با طابقت قائل شوم

پنا براين با آن دلائل ديديم ما نمى توانيم اين انتخابات را باطل بدانيم و اعتراضات بى اساس انجمن نظار را كه يكى از اعضاى آن شانس داشته و در اين اعتراضات مدخليت داشته اهميت بدهيم والا اينطور كه آقای رئيس التجار مى گويند يك چيز خيلى عجيبى بنظر مى آيد كه شعبه يك انتخاباتى را رد كند و راپورت ردهم نوشته شود بمجلس بدست بگردد و چشم بندى شود و رئيس كميسيون استعفا دهد مخبر هم فرار كند آن وقت ميز و صندلى ها به نشينند و رأی بدهند و راپورت تهيه كنند از فرمايشات آقای رئيس التجار نه تنها ذهن بر شعبه وارد ميشود بلكه بر كميسيون تحقيق هم وارد ميشود پس اينكه مي فرمايند اين انتخابات در شعبه رد شده با كمال تأسف و تنقيد مى كنم و اما اينكه به كميسيون تعقيب اعتراض مي فرمايند مثل اين است كه كميسيون يك كار فوق العاده كرده و يك دلى ه حقت نبوده كرده است و حق نداشته بدوسه مراجعه و تدقيق كند اگر هم مراجعه كرده است تصور مي فرمايند كه بايد حتماً مطابق عقيده اشخاص كه نظر بكنيني باین دوسه ندارند رفتار كند در صورتيكه كميسيون تعقيب برای معين است كه باساد و مدارك مراجعه كند و حق دارد اگر يك شعبه اشكالى داشته باشد آن اشكال را رفع كند وظيفه كميسيون تعقيب رسيدگي وقت است و اينكه فرموديد در موقعى كه انتخابات در جريان بوده است روزنامه ايران شرحى بمنى بر شكايات از انتخابات غار و فشاويه نوشته است بنده نظرم نيست البته روزنامه ايران بوده است مردم هم اگر شكايتى داشته اند در روزنامه درج ميكرده اند نوشتن يك شكايتى در روزنامه دليل بر بطلان انتخابات نميشود و اگر شكاياتى در روزنامه ايران درج شده است لابد آن شكايات كند بان بقدرى پيدار بودند كه شكايات خود را بوزارت داخله و روزنامه بفرستند بنا بر اين درج شدن شكايات در روزنامه دلائل پرهم صحت انتخابات نميكنند اعلى رئيس التجار تصور فرموده اند كه آن روز بنده با ياردم متصدى روزنامه بوديم و شكايتى را درج كرده ايم امروز بنده نبايد از انتخابات دفاع بكنم غير اين يك چيزى نيست كه بنده را مجبور بتصديق اعتراضات نماينده محترم بگند بنده زبان كميسيون هستم و احسانات شخصى ندارم بنده از زبان خودم حرف نميزنم از طرف كميسيون دفاع ميكنم آن روز كه چنين شكايتى در روزنامه درج شده بود از نقطه نظر آزادى بوده است و كروضايتى هم رسيده بود البته درج ميشد اما راجع بدخالت حكومت

فشاويه در عمل انتخابات و عجله در فرستادن نماينده باجمع كردن كد خداها كه تمام ايتها را نماينده محترم بشكل يك احترامى بيان فرمودند و ميخواستند اينطور برسانند كه حكومت اين كار ها را برای انجام مقاصد شخصى خودش ميكرده است اين هم سبب تعجب بنده شد زیرا حكومت محل موظف است در امر انتخابات مقدم خود و مقدمات آنرا تهيه كند خود شما اشاره كرديد باده هشتم نظامنامه انتخابات كه تعيين انجمن هاى نظارت و جريان مقدمات انتخابات باحكومت است وظيفه حكومت است كه اهالى را اطلاع دهد بغير محل حكومت برای اينكه دسترس بتمام بلوك داشته باشد نصير حاكم نيست وظيفه او بوده است كه انجام داده است حكام هميشه بايد وسائل انتخابات را فراهم كنند حكام بايستى مردم را دعوت بانتخابات كنند و اينكه فرموديد كد خداها را دعوت نموده و مخارج آنها را را متحمل شده و از خارج آنها شكايات كرده اين مسئله اشتباه است مخارجى نميداده و يك يلوهم بارنى كرده در مراسله خود مى نويد شب چهاردهم ماه صفر از طرف انجمن نصار مرکزى صندوق و تفرغ و غيره واجاره نشر اعذار فرستاده شده و مى نويد من باجنين مرکزى نوشته ام و راپورت ردهم انتخابات بايد شروع شود جواب مى ايد امروز يا زدهم در حضرت عبدالعظيم شروع بانتخابات خواهد شد شدام شروع كنيم من هم محل حكومت خودم را عرض كردم و بجائى تعيين كردم كه دسترس عموم باشد به كد خداها و اهالى اصلاح دادم كه بى جريان امر انتخابات جمع شدند و تاحالا هشت روز است كه من از طرف انجمن نظار مرکزى شما بنده نرسيده البته صدق مى فرمايند در اظهار اين شكايات معق بوده زیرا همما در اين گونه مواقع معارضى پيش مى ايد البته تغيير محان حكومت و اجتماع مردم و دور هم نشستن آن ها دليلان وجاى مى خواهد و بالاخره يك معارضى پيدا مى شود كه دولت بايد بمجلس حكومت نوشته است با اين ترتيب مخارج دولت زياد خواهد شد پس زودتر اقدام كنيد كه نماينده انجمن بيايد خود اين مراسله حكومت از ايرى اعراضات دو دانه كه اساس تمام اعتراضات است و بالاخره بايد آن ها را جواب قطعى داد سند لایى است و خود اين مراسله سند است كه يازدهم صفر اعلان انتخابات در غار و فشاويه شده است مخصوصاً در اهالى كه انجمن مرکزى منتشر كرده مى نويسد بان اهالى غار و فشاويه اعلام مى شود كه از روز يازدهم شروع بانتخابات مى شود آخر هم رأی گرفته مى شود اشكالى را كه انجمن مرکزى راجع به كى مدت كرده اين مراسله رفع مى كند و هم چنين بنده يك سدى بعد از نوشتن راپورت پيدا كردم و او را در مورد رد اعتراضات دو كانه عرض خواهم كرد فعلاً بايد اعتراضات نماينده محترم را جواب بدهم پس بنا بر اين دخالت حكومت و اقدامات او در حكم اين نخواهد بود كه مى خواسته است كانديداي خود را انتخاب كند بلكه وظيفه حكومت اين است كه مقدمات انتخابات را فراهم

آورد و اگر حاکم انجام این امور را نمی داد پس کسی در این امر دخالت میکرد و شرحی راجع به نمرات تفرقه و چند فقره مراسله جاواری و غیره فرمودند بنده لازم ندیدم آن هارا بخوانم قریب هزار نفر می نویسند که نماینده حقیقی ما مقوم الملك است و شخص صالحی می باشد و این مراسلات و هرایش وقتی رسیده است که انجمن نظار از تهیه صورت مجلس و دادن اعتبار استنکاف نموده اعتراضاتی که به قسمت قشایویه داشتند در جریان بوده آن هارای اینکه ثابت کنند مطابق عقیده شخص خودشان رای داده اند نمره تفرقه خودشان روی مهرهای خودشان معین کرده اند خود این مسئله دلیل صحت این انتخابات است زیرا تفرقه نمره دارد و تفرقه گیرنده قطعا نمره تفرقه خودش را میبندد و برای تحکیم حقانیت خودش تفرقه اش را هم تعیین کرده است و این مسئله بایدستند قطعی برله منتخب قشایویه نشود تا سافه نمی دانم نماینده مستر چرا این سند را بر علیه منتخب تصور فرموده اند بنده سکه هنوز دوست نتوانسته ام بفهمم که تعیین نمرات تفرقه را که برله او است چگونه بر علیه او تصور کرده اند بهرحال گویا جواب اعتراضاتی را که تصور فرمودید خیلی مهم است داده شده حالا اگر اجازه بفرمایید در آن دوا اعتراض اساسی هرایش خود را بکنم یکی از اعتراضاتی که نسبت بمابین انتخاب وارد میدانند راجع بدست بود که در راپورت هم نوشته شده انجمن نظارت مرکزی مطابق اعتراف خودشان هیچ شکایتی نسبت بانتخابات قشایویه نداشته مگر در چیز یکی اینکه میگوید فاصله بین نشر اعلان و تفرقه کم بوده است در این خصوص هم متناقض صحبت میکند در کمیسیون که در وزارت داخله معین شده است میگویند فاصله بین نشر اعلان و دادن تفرقه یک روز بوده است در این مراسله که بعد از نوشتن راپورت بنده پیدا کرده ام میگوید حاکم قشایویه مدت اعلان واه روز معین میکند برای تفرقه دادن و اخذ آراء هم روز معین میشود در صورتیکه قشایویه یک روز الی سه روز بیشتر شایستگی اخذ آراء ندارد در اینجا بموجب اذعان خود انجمن مرکزی که این مراسله را مهر کرده و بوزارت داخله فرستاده اند فاصله بین روز دادن اعلان و روز دادن تفرقه را ه روز مینویسد ولی در موقع دیگر در کمیسیون وزارت داخله میگوید فاصله بین اعلان و تقسیم تفرقه یک روز بوده زیرا ملا حسین نماینده انجمن مرکزی میگوید شب حکومت اعلان را منتشر نموده و فردا شروع بتوزیع تفرقه نمودیم در صورتیکه در قشایویه هفت روز بوده است که صندوق آراء و تفرقه و لوازم جریان انتخابات از حضرت عبدالعظیم برای حکومت رفته بوده و این کاغذی است که خود حاکم قشایویه بوزارت داخله مینویسد و میگوید که مراسله بانجمن مرکزی نوشته شده که دستورات لازم را با یک نفر نماینده اهرام دارد تا اعلانات را منتشر نموده و شروع بکنار نمایند انجمن مرکزی در جواب مینویسد چون در زاویه مقدسه از پانزدهم شروع بامر انتخابات میشود شما نیز باید از یوم مذکور شروع نمائید شب چهاردهم که صندوق

تفرقه و غیره بهر آن آباد غار رسیده فوراً حرکت کرده به قشایویه آمده اهالی و کدخدایان و غیره را اطلاع داده و از جهت سهولت باغ زواری را که در حسن آباد واقع است از برای مجلس انتخابات قشایویه تعیین و مطابق ماده سوم قانون انتخابات کدخدایان و درش سفیدان بلوک را نیز حاضر کرده که مشغول کار شود و هفت روز معطل یک نفر نماینده انجمن مرکزی که باید از حضرت عبدالعظیم بیاید بوده البته حاکم میتوانست است منتظر آمدن نماینده هم نشود زیرا انتخابات هر جائی باید با اجازه انجمن مرکزی باشد و انجمن مرکزی مختار است انجمن نظار بفرستد و یا اینکه تفرقه و لوازم انتخابات را برای حاکم محل بفرستد و او را مسئول صحت انتخابات قرار دهد و همدا او خواسته است احتیاط کرده باشد و هفت روزی که در حقیقت فاصله بین پانزدهم و بیست و دوم است منتظر نماینده بوده پس میتوان گفت اعلان انتخابات از همان روزی بوده است که دستورات لازم و صندوق و تفرقه و غیره از طرف انجمن مرکزی بحکومت قشایویه رسیده و اعلان قطعی از روز پانزدهم خطاب بدوم اهالی غار و قشایویه شده است و با این حال پس از هفت روز که ملاحظه وارد می شود مجدداً در همان روز اعلان کرده و از فردای آن روز شروع به توزیع تفرقه میکنند و این ملاحظه از مقدمات هفت روز و ه روز مدت قبل از ورود خود مسبق نبوده در شب دوم هم گویا ملتفت شده بودند یا این مراسله را ندیده اند این بود که پس از دیدن این مراسله بنا ثابت و مسلم شد که اعلان منتشر شده در مردم حاضر شده و انجمن نظار هم تعیین شده و اهالی غار و قشایویه منتظر انتخابات بوده اند و حاضر بوده اند که بر این وظیفه مهم ملی اقدام نمایند و چنانچه بنده استنباط کرده ام مدت اعلان ده روز بوده است از پانزدهم الی بیست و پنجم و مطابق اقرار خود انجمن نظار که در این کاغذ هم مینویسد حاکم ه روز برای توزیع تفرقه و ه روز هم برای اخذ آراء مدت معین کرده است و بعقیده بنده برای این اعتراضاتی که راجع بکمی مدت فرمودند دلائلی را که بنده در مقابل عرض کردم شاید تا حدی مقنع باشد برای اینکه مقصود از نشر اعلان ده روز فاصله بین نشر اعلان و توزیع تفرقه فقط برای استحضار اهالی است و اهالی هم بواسطه این اقدام حکومت و تهیه انجمن نظار بغوی مستحضر شده اند علاوه در این دوره در انتخابات بعضی از نقاط فارس از قبیل لار و غیره هم (که ممکن است بصورت مجلسها مراجعه نمود و دید) در چندین مورد مجلس کمی مدت را مورد اهمیت قرار نداد و باین فلسفه مشبث شده که چون نقطه کوچکی بوده است و چندان عرض و طول نداشته است اگر ۲ یا ۳ یا ۴ روز مدت کمتر معین شده است معقولات به اینرین بنده میتوانم برای خود آقایان تکیه کرده و به استناد همان رأی که خود آقایان در چند مورد داده اند در این نوبت هم عرض کنم که در آن موارد بهک مساوی مشبث شده اند در این مورد دیگر نمیتوانید به فلسفه قانون مشبث شوید و بگوئید مدت حقیقی اعلان منظور نشده است اما راجع بشکایات

تائوی که میگویند شکاف بالای صندوق باز بوده و مهر و موم نشده خود نماینده انجمن مرکزی تصدیق میکند و میگوید همه روزه صندوق آراء در افتاده پیچیده میشد است و اطراف لفاق هم لاک و به مهر تمام اعضا و حاکم مهرور میشد است در صورتیکه مهر و لاک صندوق جز برای محفوظ ماندن آراء برای چیز دیگری نیست و برای اینست که آراء زیادی در صندوق نیفتادند و آرائی بیرون نیاورند در صورتیکه خود انجمن نظار تصدیق میکند که درب صندوق مهر و موم بوده و در لفاق پیچیده شده و آن لفاق هم مهر به مهر تمام اعضا بوده دیگر بنده نمیدانم چه اعتراضی در این مورد وارد است اعتراض دیگری که اعضا انجمن مرکزی کرده اند و از همه عجبتراست این است که میگویند چرا صندوق آراء در حضور ما باز خوانده نشده در صورتیکه مطابق ماده سی و شش قانون انتخابات که میگوید (در هر حوزه انتخابیه انجمن های نظارت نقاط جزء صورت مجلس انتخابات خودشان را بامضای اعضاء انجمن رسانیده به انجمن نظارت مرکزی و حوزه انتخابیه میفرستند تا در آنجا باملاحظه صورت مجلسهای انتخابات کلیه نقاط مشترک آن حوزه تشخیص نمایند منتخب حوزه را بنمایند) انجمن نظار حوزه قشایویه موظف بوده است که خودش در قشایویه بنشیند و آراء را بخواند و نتیجه آراء را بصورت مجلس برای انجمن نظار مرکزی بفرستد انجمن نظارت مرکزی حق نداشته است در این کار دخالت کند هر حوزه انتخاباتی موظف است مطابق این ماده آراء خود را در حضور اعضاء خودش بخواند و نتیجه را اطلاع بدهد و چنانچه عرض کردم مطابق اقرار اعضاء خود انجمن نظار مرکزی صندوق آراء قشایویه مهر و موم و در لفاق پیچیده بوده و هیچ عیبی نداشته است جز اینکه در شکاف صندوق کاغذ نه چسبانیده بودند و آن صندوق در حضور نماینده انجمن مرکزی و حاکم حضرت عبدالعظیم و اعضاء انجمن قشایویه باز شده و امپاراش را ملاحظه کرده اند و تصدیق بصحت امپاراش کرده اند و آراء را دیده اند اکثریت هم باسم آقای مقوم الملك بیرون آمده است منتهی انجمن مرکزی نتوانسته است اعتراض بنمایند یکی آقای مقوم الملك یکند و از دادن اعتبار نامه و صورت مجلس استنکاف کرده در صورتی که حق نداشته است ولو اینکه این شکایات را وارد میدانست می بایستی صورت مجلس را بنویسد و اعتبار نامه بدهد و اعتراضاتی را که بنظرش وارد میآید در صورت مجلس قید کرده و برای مجلس واگذار کند ولی متأسفانه انجمن مرکزی چنانچه در دوره سوم هم بنمایند قشایویه معین معامله را کرده و اعتبار نامه ندادند و در آن دوره هم نمایندگی آقای فیروز آبادی بدون اعتبار نامه تصویب شد در این دوره هم چون یکی از اعضاء خودشان کاندید بوده و چند رای کثر از آقای مقوم الملك کرده اند و با آنکه فوق العاده ملائم نموده اند که این استنکاف خودشان را با یک لال قطعی بخوانند

ثابت کنند مهله دوا اعتراض بیشتر نتوانسته اند بکنند و چنانچه عرض کردم یکی از اعتراضات کمی مدت و یکی به تشکیک شکاف صندوق است و از این دوا اعتراض هم مکرر دفاع شده است و اگر آقایان بخواهند یک حقیقتی را اذعان کنند گمان میکنم صحت انتخابات فاروق قشایویه جای شبهه باقی نباشد حالا دیگر بنده بنظر آقایان است هر چه صلاح بداندند رای خواهند داد

رئیس - آقای امین الشریعه مخالف هستید.

امین الشریعه - بله.

رئیس - بفرمائید.

امین الشریعه - بنده داخل در جزئیات و کیفیت انتخابات نمی شوم که چه نموده و یا چه اقدامی شده و در این موضوع حرفی ندارم فقط می خواهم یک اصل کلی را خدمت آقایان عرض کنم و شاید آن اصل قابل تصدیق آقایان شود هر دوی لابد باید یک مدرک و سندی داشته باشد مدارک و اسناد هر ادعائی نسبت به دعایا تغییر میکند مثلاً اگر کسی دهوی کرده که من و کتر خوبی هستم باید در حقوق باطل دیلم داشته باشد و دیلم او را هم معین کرده اند که باید مدرسه که متخصص در این فن است تصدیق کرده باشد اگر کسی دهوی کرده که من نقاش خوب هستم باید صحنه نقاشی خوبی نشان بدهد اگر کسی ادعای اجتهاد کرد باید اجازه از اهلام مجتهدین جامع الشرایط بیاورد البته تصدیق می فرمائید که وکالت هم از برای شخص مدعی الوکاله یک دهوی است چون هر شخص بعد از ختم انتخابات مدعی وکالت میشود تا موفقی که وکالتش از تصویب مجلس شورای نگذرد مدعی الوکاله است نه ثابت الوکاله حالا به بنم این مدعی باید مدرک داشته باشد یا خبر و مقررگی که برای صاحب این ادعا در نظر ارباب فن معین شده کدام است قانون در این خصوص بناچه گفته و چه دستور داده است البته مسلم است کسی که باید تعیین مدارک این دهوی را بکنند مجلس شورای ملی و قانون انتخابات است قانون انتخابات مدارک دهوی وکالت را اولاً حکم محکمه ابتدائی که عبارت از انجمن نظار مرکزی است قرار داده که باید انجمن نظار مرکزی پس از آنکه وظایف خودشان را انجام دادند در خانه بیل خود سه صورت مجلس بنویسند یکی را برای وزارت داخله ارسال داشته یکی را برای انجمن های ایالتی و ولایتی و و نسخ ثالثاً را برای حکومت محل بفرستند و نیز یک اعتبارنامه هم بدست شخص و کبل میدهد حالا در این موضوع خوب تمق میفرمائید چنانچه آقای ملک الشعراء فرمودند اعتبارنامه یک کاشفی است از هویت شخص منتخب و آن شخص که مدعی وکالت است اگر اعتبار نامه در دست نداشته باشد و بمجلس بیاید مجلس حق ندارد بر حسب مندرجات صورت مجلس دو وکالت آن شخصی رای میدهد چنانکه عملاً این مسئله در همین قضایا مقدس تصویب شد و چند موضوع و مصداق هم پیدا کرد که وکالت شخص مدعی الوکاله بدون اینکه اعتبار نامه داشته باشد فقط از روی صورت مجلس تصویب شد حالا بر حسب بیاناتی که آقای ملک الشعراء فرمودند

برای تعیین مدارک انتخاب قشایویه که نه اعتبارنامه و نه صورت مجلس هم چکندام در دست نیست بسیار خوب اعتبارنامه را که ما با آن بیان فلسفی مبرک و سند قرار ندادیم اگر در اینجا صورت مجلس را هم سند قرار ندهیم من نمیدانم پس از این سند و مدرک مدعی الوکاله چه خواهد بود صورت مجلس که لازم نیست اعتبارنامه هم که مدرک نمی شود پس کاغذهای مختلفه و گفتگوهای بین افراد برای وکالت مدرک می شود غم بنده داخل در جزئیات انتخاب نمی شوم و استدعا می کنم که لااقل یک اصل کلی را بعد از این مدرک قبول وکالت قرار دهیم تا اینکه بتوانیم یک اندازه معید شده و از صورت جریان قانون خارج نشده باشیم باز هم تکراراً عرض میکنم که رای انجمن نظار مرکزی در حکم رای محکمه ابتدائی است برای اینکه ممکن است تصدیق انجمن نظارت مرکزی در مجلس که بمنزله محکمه استیناف است قبول نشود مثلاً میزنم خیلی محسوس اگر مدعی بدون مدرک و سند در محکمه ابتدائی عدلیه ادعائی نماید آیا قاضی آن محکمه آن اعدا را می پذیرد غیر از این قانون می گوید تا مدعی مدرک نداشته باشد و سواد آنرا ضمیمه هر ضحال ننماید ادعای او در محکمه پذیرفته نیست و اگر کسی از حکم محکمه ابتدائی ناراضی باشد و بمحکمه استیناف برود آیا محکمه استیناف قبل از آنکه راپورت محکمه ابتدائی را بخواند بدعوی او رسیدگی می نماید خیر می گوید این دهوی باید طی مدارک قانونی خودش را کرده بعد بایستی بیاید یعنی می گویند بایستی مرحله اول را که محکمه ابتدائی باشد طی کرده بعد بمرحله دوم که استیناف است برسد بعقیده بنده مجلس نمیتواند در این انتخاب وارد شود زیرا طی مراحل قانونی خود را ننموده است علاوه بر این شبه دوم هم این انتخابات را صریحاً کرده نهایت اینکه در طرز رد آن بطوری که آقای رئیس ملک الشعراء فرمودند (از نقطه نظر تنقید) تنقید یعنی چه عقیده آزاد است همین طور که سرکار این انتخاب را تصدیق میفرمائید سایرین هم میتوانند اعتراضات خود را اطراف این انتخاب آزادانه بیان نمایند حالا فرض می کنیم تنقید نکردیم و گفتیم صورت مجلس و اعتبارنامه هیچکدام برای وکالت وکیل لازم نیست و آمدیم توضیحات و شکایات متفرقه و مراسلات وزارت داخله و عازر ضباط را سند قرار دادیم آیا آن وقت تصدیق نمی فرمائید که انجمن نظار لغو می شود علاوه بر این که انجمن لغو می شود بعد از این مشاجرات در این قبیل دعایا بین اشخاص مدعی الوکاله معلی بقدری زیاد خواهد شد که مجلس قادر بر رسیدگی نخواهد بود بواسطه اینکه بعد از آنکه صورت مجلس و تصدیق نظار شرط صحت انتخاب نشد آنوقت مواخواهان وکالت که در هر محل زیاد هستند در هر گوشه از ملک یک بساطی برپا نموده و در یک مجلس که یک نفر وکیل لازم دارد ه نفر با ه قسم مراسلات و اسناد متفرقه ادعای وکالت خواهد کرد آنوقت معاکمه آن قضایا را مجلس چه قسم خواهد کرد علاوه بر این که این را هم آقایان در نظر بگیرید که قوانین همیشه معفوظ مانده و تسهیل جریان انتخابات بعمل آید

رئیس - چون يك قسمت از این مسئله راجع بهیشت رئیس است باید عرض آقایان برسانم در موقع افتتاح مجلس وقتی شبیات معین شده بود و دوسه ها و اعتبارنامه ها بین شبیات تقسیم شده بود اگر خاطر آقایان باشد بنده هم بواسطه کسالت دوسه روز قایب بودم بعد که آمدیم دیدم اعتبارنامه ها و دوسه ها شبیات تقسیم شده چون هشت رئیس دائمی هنوز معین نشده بود و اداره مجلس شورای ملی هم هنوز مرتب نبود باین واسطه فطلت شده دوسه انتخابات فاروق قشایویه هم یکی از شبیات رفته بود بنده ملتفت شدم انتخابات غار و قشایویه نباید بشبایات برود برای این سکه ماده چهارم نظام نامه واقع می گوید اعتبار نامه ها و صورت های مجلس انتخابات به ترتیب حروف تهجی بین شبیات تقسیم میشود و چون این انتخابات از اول متنازع علیه بوده صورت مجلس و نه اعتبارنامه داشت این بود که بموجب ماده چهار برض آقایان رساندم که این انتخابات بشبایات رجوع نشود و باید یکی از کمیسیونها برود این بود که مطلب را برض آقایان رساندم و به تصویب آقایان به کمیسیون تحقیق مراجعه شد باین لحاظ بود که این انتخاب از شبه بیرون آمده و مراجعه به کمیسیون تحقیق شد و شب هم این انتخابات را رد نموده بود که بعد رجوع به کمیسیون شده باشد بعد از آنکه ملتفت شدیم اشتباه بشبه رجوع شده از آنجا انتزاع نموده و به کمیسیون تحقیق انتخابات رجوع نمودیم

ملک الشعراء امیر کمیسیون - اینکه آقای نماینده محترم مقدماتی ذکر کردند تمام صحیح و اساسی است ولی عرض میکنم هر نماینده باید يك صورت مجلس داشته باشد که آن صورت مجلس اشاره کند بطرز جریان انتخاب او و همه اوراق تفرقه بالاخره تقسیمات معلی و مدت توزیع تفرقه و اخذ آراء و قایمی که در آن محل در ضمن جریان انتخاب رخ داده ما دیگر از صورت مجلس غیر از این چیزی نمیخواهیم البته در صورت مجلس هم باید شکایاتی که رسیده قید شود و در نتیجه عقیده و نظر خود انجمن مرکزی راجع بآن شکایات معلوم شود اعتبارنامه هم چنانکه مکرر گفته شده يك سند هویت و تذکر است برای نماینده که فهمیده شود وجود این شخص تطبیق میکند یا آن شخص که در صورت مجلس نوشته شده یا خبر والا اعتبارنامه غیر از این چیز دیگری نیست فقط برای این است که اگر مثلاً حسین نامی را از مراغه انتخاب کردند و صورت مجلس او را فرستادند يك تقی نامی بیاید بگوید من آن حسین هستم سکه از مراغه انتخاب شده ام سکه مجلس مجبور شود کاملاً تحقیق و تلگراف کند که این همان حسین وکیل مراغه است یا حسین دیگری است پس بنده هم تصدیق میکنم بدون اعتبار نامه و صورت مجلس ادعای يك وکیل صدق نمیکند ولی در همین حال هم اگر شما میتوانی از بیانات انتخاب در محل و اسنادیکه در دوائر دولتی وارد و ثابت شده است بالاخره از مراسلاتی که خود انجمن نظار مرکزی بوزارت داخله نوشته و جلساتی

که برای حل قضیه دروزارت داخله و ابالت طهران و در اداره حکومتی حضرت عبدالعظیم مقرر شده و تمام مراسلاتی که در مدت دوسال رد و بدل شده حقیقت جریان يك انتخاباتی را بدست بیاورد چه جودتی خواهیم داشت که بگوئیم حتما باید يك صورت مجلس باشد که مهر هشت نظار را دارا باشد اگر چنانچه صادر شدن صورت مجلس ملل باطل و لغو نمی بود بایستی تعجب کنید ولی وقتی که بالسابق و لاحقه مراجعه میکنیم می بینیم نظار محل برخلاف رویه و قانون که میگوید هیچ نوع شکایتی مانع از جریان انتخاب نمی شود رفتار کرده و نخواسته اند صورت مجلس بنویسند و اعتبار نامه بدهند و با تا کیدات وزارت داخله و ابالت طهران که وکیل محترم این تا کیدات رایگی از دلائل فساد انتخاب شمرند در صورتیکه چون در زمان کابینه سیدار بنا بود مجلس «دومی» متوقف شود این بود که خود دولت برای اینکه و کلا زودتر معین شوند و زودتر مجلس بیاورد تا کید در ترمیم امر انتخابات نموده و با این همه تا کیدات انجمن نظار مرکزی از نوشتن صورت مجلس و اعتبار نامه ابا کرده است حالا از چه نقطه نظر بوده من محل ندارم سبب آنرا تکرار کنم بنا بر این ما نمیتوانیم بواسطه عدم آقای دیگران بوظیفه قانونی خود حق بکنفر نمائیم را نقطه کنیم يك و کيل که ادعا و کالت میکنند و ما دلیلی بر بطلان نمائید که او نداریم در سایه اینکه انجمن نظار مرکزی برخلاف قانون و وظیفه خود عمل کرده است ما حق نداریم حق این وکیل را در مقابل دو هزار رای که در باره او داده اند ساقط کنیم راست است صورت مجلس ندارد ولی برای چه ندارد برای اینکه انجمن ملل نداشته است صورت مجلس بنویسد و اعتبار نامه بدهد مجلس محترم وقتی کدید این مسئله ابتدای برخلاف وظیفه عمل کرده است نباید آنرا پیروی کند مجلس یا کمیسیون تحقیق باید تمام اسناد و نوشتهجات مراجعه و رسیدگی کند و ببیند از این میان حرف کدام يك صحیح است و بنفید جریان انتخابات از چه قاعده بود که کمیسیون هم همین کار را کرده است دوسه حاضر است عدم تعرفه که داده شده رایورتهائی که روز بروز میدادند شکایات انجمن نظار نمائنده که بشاویوه فرستاده شده اشخاصی که در انجمن نظار بوده اند تمام اینها معین و مشخص است در این صورت ما میتوانیم نتیجه را که میخواهیم از صورت مجلس انجمن مرکزی بگیریم از این اسناد دوسه گرفته باشیم ما نمیتوانیم بگوئیم چون این نمائنده صورت مجلس ندارد نمائندگیش باطل است بنده میتوانم عرض کنم که صورت مجلس داشته است ولی نداده اند در مسئله اعتبار نامه هم اگر فراموش نفرموده باشید در دوره گذشته هم نمائندگی حاج سید رضای فیروز آبادی که نمائنده فار و شایویه بود تصادف کرد با کاندیدای دیگری که آن کاندیدا هم عضو انجمن بوده و باین جهت باو اعتبار نامه ندادند ولی در مجلس نمائندگی آقای فیروز آبادی تصویب شد در این دوره هم بکنفر از نمائندگان اعتبار نامه نداشت و با اینحال و کالتش تصویب شد بنده عرض میکنم حق بکنفر نمائندو

دو بلوک را نباید تقسیم کرده و از بین ببریم راجع بانجمن نظار فرمودند که اگر این انتخاب را بدو صورت مجلس و اعتبار نامه تصویب نمائیم انجمن لغو می شود بنده عرض میکنم هر انجمنی نظارتی که بر خلاف وظیفه خود رفتار کند باید عملیات آن انجمن را لغو کرده تا سایر انجمن ها بر خلاف وظیفه عمل نکنند و بدانند که هیچ شکایتی و هیچ اعتراضی از طرف خود آنها یا از خارج مانع از جریان انتخابات نمی شد و برای اینکه این اصل را شایان تاکید که در آن بنده انجمن ها خودشان کاندیدا نشدند و حق دیگری را بایمال نمیکند در این جا حق بکنفر وکیل فار و شایویه بدهند تا در آن به حقوق مردم بایمال نشود البته عملیات هر انجمن نظاری که بر خلاف وظیفه عمل نکند لغو نمیشود و انجمن نظاری که بر خلاف وظیفه رفتار کرد خود آن خلاف وظیفه انویت او را اعلان میکند بیش از این بنده یادداشتی ندارم و محل هم ندارم بیش از این خاطر آقایان را زحمت داده باشیم و گمان میکنم اگر درست دقت شود جای اشکالی باقی نباشد اما اینکه فرمودند این انتخاب در شعبه دوم رد شده دو مرتبه تکرار میکنم خبر در شعبه دوم رد شده مجلس پیشنهاد شد که چون انتخابات فشاویوه مورد اعتراض و ایراد انجمن مرکزی واقع شده است انتخابات آنجا باید تجدید شود حالا اگر هم بخوایم این استدلال بنده را لغو کرده و اهمیت ندهیم یا اینحال نمیتوان این انتخابات را رد کرد اگر هم باز مجلس بخواهد بیشتر سخت گیری کند باز ناچار باید متشبت بنظریات شعبه دوم یعنی تجدید انتخابات فشاویوه شود شعبه دوم هم انتخابات را رد نکرد رئیس محترم شعبه هم حاضرند و تصدیق میکنند

رئیس — آقایان صدر الاسلام و آقا سید فاضل تقاضای ختم مذاکرات را کرده اند (بعضی گفتند کافی نیست)

امین الشریعه — اجازه میفرمائید توضیحی

بنده

رئیس — بفرمائید

امین الشریعه — آقای مخبر محترم فرمودند که شعبه دوم انتخابات را رد نکرد ولی رای در تجدید انتخابات داده اند تجدید انتخابات همان رد

انتخاب وکیل است متنی رد ضمنی است

مخبر — بنده توضیحی دارم اجازه میفرمائید

رئیس — مکرر عرض کردم مخبر هر وقت بخواهد میتواند حرف بزند اجازه لازم نیست بفرمائید

مخبر — بنده میفرستم عرض کنم با آنکه شعبه حق نداشته است رد کند معینا تصمیم بر تجدید

يك قسمت از انتخابات گرفته است ولی رد نکرده است

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بعد از فرمایشاتی

که آقای رئیس نسبت برابری شمه فرمودند بنده دیگر در آن موضوع نباید داخل شوم اگر این فرمایش را نفرومده بودند بنده آن وقت عرض میکردم گفتمان رایورته شمه را باید سند قرار داد و مراجعه دوسه کمیسیون تحقیق انتخابات بی مورد بوده است ولی چون فرمودند اعتبار نامه و صورت مجلس نداشته است و با موافقت مجلس یک کمیسیون تحقیق انتخابات خاصی مراجعه شده است بنده هم تصدیق میکنم و البته کمیسیون تحقیق انتخابات باید دوسه هائی رسیدگی کند که خارج از ترتیبات معمولی است باین معنی که اگر دوسه مرتب بود صورت مجلس و اعتبار نامه داشت یک کمیسیون مراجعه نمیشد و چون اینها را نداشته است یک کمیسیون رجوع شده است تا تحقیقات عملی تری بشود یعنی مراجعه بعمل بکنند و از خارج تحقیقاتی نکنند مثل اینکه در انتخابات بندر عباس و بوشهر کمیسیون برای کشف قضیه محل مراجعه کردند که از فلان لفظ که در صورت مجلس نوشته شده بود سؤال کردند که مقصود شما چیست

اما در این مورد بخصوص بنده می بینم کمیسیون تحقیق انتخابات تحقیقاتی نکرد فقط دوسه مراجعه کرده و مطالعه مکاتباتی که بین حکومت و انجمن نظار و وزارت داخله جریان داشته قناعت کرده در صورتیکه از این جا تا فشاویوه اگر صدا بزنند میرسد حالا اگر صدا بزنند خیلی نزدیک است افران عرض کردم سوء تفاهم نشود

مقصود این است که وسائل تحقیق خیلی آسان بوده است و کمیسیون تحقیق میتواند بعمل مراجعه کرده حقیقت را کشف کند یعنی اعضاء انجمن نظار مرکزی و انجمن جرحه را بخواهد تحقیقاتی بکنند به بیند قضایائی که در آن وقت جریان داشته چه بوده از موقع انتخابات غار و فشاویوه تا اکنون که تقریباً دو سال می گذرد يك گفتگو هائی در این شهر راجع بان انتخابات آنها بوده و داد و فریادهائی بوده تا اینکه آن مذاکرات مجلس وارد شده و از مجلس یک کمیسیون مراجعه شده و در آنجا سرسته ماند و دیگر بعمل مراجعه نشد تا از آنجا تحقیقاتی بشود

همین قدر اعضاء کمیسیون نشسته اند و از روی دوسه يك رایورته نوشته اند حالا که باین رایورته مراجعه میکنیم می بینیم يك مشکلاتی بر خورده ایم بنده از سابقه کاملا مسبق نبودم فقط از جریان مذاکرات در این جا اینطور فهمیدم که انجمن جرحه فشاویوه را نایب الحکومه معین کرده است در صورتیکه باید انجمن جرحه را انجمن مرکزی با نظر حکومت انتخاب کند اصلا تعیین انجمن جرحه با نایب الحکومه نیست آنهم يك نایب الحکومه که مورد سوءظن واقع شده و مردم شکایات زیاد از عملیات او داشته اند و اقوی دلیل بر این مطلب این است که در رایورته نوشته شده که قبل از اینکه از طرف انجمن نظار مرکزی نمائنده به آنجا برود و انجمن جرحه تشکیل دهد نایب الحکومه کدخدایان را خبر کرده است که در

دوره انتخاباتی جمع شوید ما می خواهیم انتخابات بعمل آوریم بنده هر چه نکریم بکنم که در کمال يك هیوه وظیفه برای حکومت معین شده که در موقع انتخابات کدخدایان را جمع کند و شام و نهار بدهد که می خواهد انتخابات بعمل بر آورد می بینم در هیچ کجا نیست بلکه وظیفه حکومت جلوگیری از این اجتهاداتی است که مورد سوءظن باشد و بملایه خود حکومت بپیل خودش مرکز خود را تغییر می دهد می نویسد بجهت تسهیل امر انتخابات مرکز حکومت را از فلان نقطه به فلان نقطه برود و کدخدایان را خبر کرده مثل این است که کدخدایان مالک الرقاب تمام مردم بوده اند که آنها را خبر کرده مثل این است که اختیارات انتخابات در دست این کدخدا ها می باشد

آیا حال با این ترتیب می توانیم يك چنین انتخابی رای بدهیم و تصدیق نمائیم یا اینکه می توانیم بگوئیم این انتخاب با این وضع صحیح داشته در صورتیکه خود انجمن مرکزی هم اظهار میکند که جریان این انتخاب برخلاف قانون بوده و حاضر است اثبات نماید در کمیسیون هم که برای رسیدگی باین کار دروزارت داخله تشکیل شده اظهار میدارد که انجمن جرحه فشاویوه فلان خلاف قانون را نموده و شکاف صندوق را که با سستی آراء در آنجا ریخته خود مهر و لاک نکرده اینها ایراداتی است که انجمن مرکزی در انجمن جرحه وارد بیاورد یا ما حالا می توانیم در مقابل این ایرادات انجمن مرکزی فقط اظهارات انجمن جرحه را رسمیت بدهیم در صورتیکه ترتیب اثر بر نظریات انجمن مرکزی از نظریات انجمن جرحه لازم تراست زیرا وقتی که يك مطلب خلاف قانون بر انجمن مرکزی کشف شدیم نمائند آراء انجمن جرحه را بکلی باطل نمائید اختیارات کمیسیون انجمن مرکزی است در فشاویوه ابتدا بانجمن مرکزی ترتیب اثر نداده اند بلکه برای اجرای نظریات شخصی خودشان دو نفر از اجزاء غیر رسمی را آورده اند و آراء را استخراج نموده اند و این امر مطلب برخلاف قانون انتخابات است فرض هم شکایتی از انجمن مرکزی داشتند مر بایست آن شکایت را بمجلس اظهار کنند این که بکلی انجمن مرکزی را باطل و باطل دانسته و اعتنائی با اظهارات آن نمائند برای آنکه هنوز مراجعه بدوسه نکرده ایم فقط نظر باین محدود بهین مذاکرات امشب است باری با این نظریه بنده نمیتوانم این انتخاب را تصدیق کنم چیزی که هست میتوانیم همان نظریه شعبه دوم را (اگرچه رسمیت نداشته) اتخاذ نماییم یعنی تصمیم گرفته شود که انتخابات فشاویوه تجدید شود و شعبه آراء غار نموده و تماماً استخراج کنند و وکیل آنجا تعیین گردد آقای ملک الشراعه فرمودند ما نمیتوانیم حق بکنفر نمائیم را تصبیح نائیم این مسئله صحیح است ولی در همین حال ما نباید حق يك ملتی را باطل نماییم ما باید از روی يك دقت و تعقیب کاملی وارد این مطلب

شویم و بنشینم آیا حقیقتاً دوسه در کار انتخابات بوده و حکومت محل برای اجرای نظریات شخصی خود گداه را چند روز دعوت نموده و پذیرائی کرده است و دستور هائی بآنها داده در اینصورت البته نمائنده محترم تصدیق میفرمائید که تصبیح حق يك نفری که هنوز نمائندگی او معزز نیست مرجع بر تصبیح حق يك ملتی است بنابراین بنده در صورتی که آقایان موافقت کنند پیشنهاد می کنم که انتخابات فشاویوه تجدید شده و شعبه انتخابات غار گردد

و رئیس — آقای محمد شام میرزا موافقت
محمد شام میرزا — غیر مخالف
و رئیس — آقای رئیس التجرار
(اجازه)
و رئیس التجرار — بنده هم مخالفم
رئیس — همه مخالفند بفرمائید

رئیس التجرار — البته آقایان بعضی میدانند که موافقت قانون انتخابات انجمن نظار از معتمدین معارض تشکیک میشود تا ما هم آنجا را معتمدین داخله اگر آنها را معتمد میدانیم البته باید نظر باین آراء را تصدیق کنیم و بدون افتادنامه و صورت مجلس و کالت يك و کيل را صحیح ندانیم زیرا استدلالی که يك نفر وکیل راجع به کالت خود دارد یا اعتبار نامه است یا صورت مجلس و اگر دارای هیچ يك از این دوسه نباشد چه رسمیت است و کالت او تصدیق شود یا نه عرض می کنم ما مجبوریم با اعضاء انجمن نظار را معتمد بدانیم یا معتمد ندانیم اگر معتمد ندانیم البته بطریق اولی باید اساساً انتخابات را غلط و مخالف قانون دانسته و قائل به تجدید آن شویم اما اینکه آقای مخبر فرمودند که مدت اعلان در مجلس نظار داشته بنده هم تصدیق میکنم يك فقره انتخاباتی بود که چون حوزه انتخابیه اش كوچك و جمعیتش کم بود و در اعلان هم چهار روز وقت تعیین نموده بودند مجلس آن انتخاب را تصدیق کرد ولی باید دانست آن انتخاب هم صورت مجلس داشت و هم شکایتی در این مدت راجع بآن نرسیده بود باین نقطه نظر بود که مجلس به تسامح قائل شد ولی در همین حالا نباید فراموش نمائیم که چون مدت اعلان انتخابات آباءه کم بود ما انتخابات آنها را بر خلاف قانون دانسته و کالت معتمد الدوله را رد کردیم دیگر از استناداتی که آقای مخبر به صحیح این انتخاب فرمودند مداخله نایب الحکومه فشاویوه و مأمور مداخله اشخاص بود که بعقیده بنده ذینفع در آن انتخاب بوده اند بنده اساساً شکایاتم از همین دخالت حاکم و دخالت غیر مشروع مأمورین است اگر آقایان کاملاً رسیدگی نمائند خواهند دانست که نایب الحکومه با چه تجری نظریات شخصی خود را اعمال نموده (چون دوره قنوت بوده و مجلسی در بین نبوده و حفظ قانون را در نظر نداشته و خیال میکرده است هر اقدامی بنماید عین قانون است

برای اینکه صحت هرایش بنده معلوم شود خوب بود در فشاویوه تجدید انتخابات میشد تا بنده ثابت کنم که دعت بیچاره که با زور حکومت سه روز معطل شده که هشتصد رای در باره آقای مقوم الملک داده شود دیگر يك رای هم در باره ایشان نخواهند داد چرا برای اینکه آنوقت کاملاً از مأمور مال و حکومت دور و ظلم مبدد وار حالا خاطرش جمع هست که مجلس با ذات و درگ که نمائند ناوود بگوید بل اگر امروز فشاویوه تجدید انتخاب شود ما معلوم شد اندک داری و با وظیفه کمیسیون که آقای مخبر فرمودند کمیسیون باید هر چه در دوسه وید با فلسفه قانون تطبیق نماید بنده بکار خلاف این نظر به هضم عقیده شده ام این است که کمیسیون باید با این انتخابات را از روی استدلال معتمد و سدیدگر نماید اصلاً وظیفه کمیسیون تسامح اعمده مجلس است نه اینکه بگوید فلسفه قانون چنین چنین است و فقط باید آنچه قانون ما اجازه میدهد تاد شود و انشاء الله اگر انتخابات فشاویوه تجدید شود و ملایه شده اند که نمیشود برای قانون فلسفه قائل شد اما راجع مدت اعلان که فرمودند نیز روزی دوسه آنطور همانست که بلکه همانطور که در مذاکرات داخله گفته شده بکشت تاصیه شده و همچنین مأمور انجمن مرکزی اظهار میدارد که مدت اعلان شده و همان زمانه اعلان انتخابات را مشخص نموده و صبح شام بنده تمامه گفته که دقت حقیقتاً اگر دقت فرمائید ملاحظه خواهد کرد که احوال معاده اندک از انتخابات غم نشاند فقط يك عده که با ما حاکم و معتمد احاطه دارند رای داده اند و اندک غم نداشته اند يك روز حضور میگردد است در ع با ه و سخنرانی معتمد مسعود شده که با سبب انتخاب نمائند فقط مساع حاکم هشتصد نفر حاضر شده اند و با نظر به آراء يك رایورته داده شده چنانکه اگر درست دقت فرمائید ملاحظه خواهد کرد که تمام آراء بخط بکنفر منشر است و اینکه میفرمائید باینجا نظار فشار وارد نموده که در آنجا انجمن نظار نشاند این اقدام را بشاید بنده برخلاف تصور میکنم باید قنوتی از اقتدار حاکم در امر انتخابات کاست تا مردم بتوانند آزادانه وکیل انتخاب نمایند باینجهت ناسبتی نظار را مقدم نمائیم زیرا ما این ترتیب حقیقت اینست که اگر من در مشهد باشم و من بگویند عضو انجمن نظار باشیم من هرگز حاکمیت نخواهم کرد عضویت آنها را قبول کنم در صورتیکه ما يك اشخاصی که معتمد بوده اند اینطور نسبت بایندهم دیگر چگونه معتمد و وجدان اشخاص اجازه خواهد داد که داخل انجمن نظار گردند در هر حال بنده تصور میکنم هیچکدام از مواد قانون چه از حیث مدت و چه از حیث نشر اعلان و توزیع تعرفه و ترتیب صندوق هیچکدام بر این انتخابات مرهی نشده ما چگونه میتوانیم برای خاطریك نفر که میخواهد وکیل شود حقوق چندین هزار نفر رعایای بیچاره فشاویوه را تصبیح نائیم برای اینکه صدق هرایش بنده معلوم

نظاره را تشکیل بدهاوم از معتمدین محل يك اشخاصی را تعیین نموده و بانخابات خاتمه داده است و اینکه فرمودند حاکم مورد حملات واقع شده است معلوم است يك اشخاصی که منتظر کالت بودند وقتی دیدند انتخاب تمام شد و یکمده دیگری اکثریت دارند و آنها در اقلیت هستند البته بهاکم فحش میدهند این مطلب را نمی شود سند بطلان انتخابات يك و سبکی قرارداد يك مطلب دیگری که نمی دانم آقای رئیس التجار فرمودند یا آقای حاج شیخ اسدالله این بود که اختیار حاکمیت با انجمن مرکزی است نه با انجمن جزه این مطلب بکلی اشتباه شده است هر انجمن جزه مسئول صحت انتخابات حوزه خود میباشد هر حوزه که در آنجا نظاری از معتمدین محل تعیین می شود وضدوق و تفرقه وارنه و رأی می دهند آن نظار مسئول صحت انتخابات آنجانی باهندو باید آراه را استخراج نموده و نتیجه آراه را بطور مختصر بنویسند و بفرستند آن دفعه همین مادرا خواندم حالا هم اگر اجازه بفرمایند دومر تبه می خوانم هیچ وقت مسؤولیت صحت جریان انتخابات با انجمن نظار مرکزی نبوده و انجمن مرکزی هم حق حاکمیت نداشته بلکه باید مواظب صحت جریان انتخابات باشد که اگر شکایاتی بر طبق قانون رسیداگر جزئی باشد خودش رسیدگی کند و اگر کلی باشد ایستی در صورت مجلس نوشته و بمجلس بفرستد و چنانکه عرض کردیم هیچ شکایتی نمی تواند موجب بطوه جریان انتخاب شود باز هم عرض می کنم اگر چه اعضای انجمن مرکزی اشخاص صبیح العلی هستند و بنده با اغلب آنها رفیق می باشم و شکایتی هم از آنها ندارم ولی معمهلا چون برخلاف وظیفه قانونی خود رفتار نموده اند اعتراضاتشان باطل است مخصوصا در ماده ۴۶ قانون انتخابات می گوید باید شکایات را در ظرف ماه اول افتتاح مجلس شورای ملی بفرستد و اینکه یکی از آقایان که فرمودند نباید با انجمن نظار اعتراضی نمائیم بنده عرض می کنم اعتراضات ما اعتراضاتی است که راجع بدم مراتع قانون می شود والا راجع بصلاحت اعضاء انجمن نظار حرفی نداریم البته همه کس در دنیا خوب است کسی نمی گوید اعضاء انجمن بد اشخاصی هستند در اینجا انجمن نظار شکایت می کند در صورتی که خود طرف می گوید انجمن نظار حق ما را تضییع کرده است ما هم که رسیدگی نمودیم دیدیم انجمن برخلاف وظیفه خود رفتار نموده صورت مجلس نوشته و اعتبار نامه هم نداده حالا بچه نظر این کار را نکرده اند بنده میل ندارم سبب و جهت آنرا تکرار نمایم در هر صورت انجمن نظار برخلاف وظیفه خود عمل نموده و شکایت ما از این انجمن نظار مستلزم این نیست که دست سایر انجمن های نظار از پشت بسته شود خیر ما می گوئیم هر کدام بوظیفه قانونی خود عمل نمایند معنی هستند و هر کدام رفتار ننمودند غیر معنی و اینکه آقای رئیس التجار فرمودند دوفتر از اشخاص غیر رسمی در فشار بویه نشسته اند و آراه را بیل خود استخراج نموده اند و اینکه تمام دوسه ها را زیرورو نموده اند این مسئله بسیار اسباب تعجب بنده شد و گویا همانطور که بنده حدس زدم آقای

این ها تمام مهر اشخاصی است که از انتخاب
مملکت که اظهار رضایت کرده اند بنده عرض می کنم
وق اشخاص را لاقول حفظ کنید و این که فرمودید
ت اگر مقصود از ملت ملت غار و فشاویه
که اظهار رضایت کرده اند و اگر ملت خراسان

(عده قلبی قیام نمودند)

بعده قانون پیشنهادی کمیسیون بودجه ماده اول در باب سلطنتی
و ولایت عهد پیشنهاد دولت مطابق بودجه پیاپی تبیل
شد (۵۵۵۰۰۰) تومان گندم ۱۱۶۵ خروار و ۲۵
نوبت ۲۱۰۷ خروار و ۲۵ من تصویب کمیسیون
بودجه نقد ۳۶۰۰۰۰ تومان گندم و جو همان پیشنهادی
دولت

رئیس - نسبت بماده اول ضمیمه کسی اجازه
راست است آقای سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - با اینکه آقایی که از حالات روحی بنده اطلاع دارند و مهاجرت و مجاهدت یافته بوده اند مسبوق هستند که علاقه مندی من نسبت به سلطنت شیهه چه اندازه است بجهت اینکه سلطان ایران نماینده شصت میلیون مسلمان با مذهب جمعی است علی الخصوص که علاقه مندی ب مقام سلطنت فوق تمام علاقه مندیها بوده و امیدوارم همیشه باقی و برقرار باشد زیرا علاقه مندی ملت به سلطنت به علاقه مندی سلطنتش می باشد با این مقدمه بنده می خواهم از هیئت دولت یک سؤالی بنمایم ما از برای امضای قوانین خودمان یعنی قوانینی که باید مطابق قانون اساسی تصویب مجلس ملی و با امضای اعلیحضرت برسد چه قدر باید حقوق بدیم بایستی حقوق اعلیحضرت حقوق ولیعهد و حقوق شاه مخلوع را بدیم در صورتیکه هیچکدام از اینها در ایران تشریف ندارند و هر قانونی که می خواهم اجرا شود باید دلمه ای چهار پنج قران پول بدیم و لشکرا را ناهام آنوقت در آخر سال وزیر پست و لشکرا را صورت میدهد که پنجاه هزار تومان برای این قبیل مخبرات لشکرا می خارج شده است همه آقاییان از وضع صحبت کردن بنده می فهمند که مخالفت اساسی ندارم لکن خواستم ببینم برای رعایت حال بودجه فقیران مملکت هیئت دولت باین ترتیب چه در نظر گرفته اند آیا هیئت وزراء یک ترتیبی برای این کار فکر کرده اند که خسارت به متوجه نشود در صورتیکه شصت هزار تومان برای همین امضای قوانین مصرف می رسد آیا هیئت دولت در این باب چه نظریه اتخاذ فرموده اند.

رئیس - جناب عالی در این باب مخالف بودید.

آقا سید یعقوب - بلی مخالف بودم و سؤالم همین بود که زیاد از حد مخارج نشود **رئیس** - یک قسمتی از آن خارج از موضوع بود دیگر کسی اجازه نمی خواند (کسی اظهار نکرد)

رئیس - نسبت به ماده اول مخالفی نیست آقای حائری زاده فرمایشی دارید.

حائری زاده - فقط خواستم از آقای مخبر سؤال کنم مجلس های سابق حقوق دربار سلطنتی را چه مقدار معین نموده اند که حالا دولت این مبلغ را پیشنهاد کرده

نصرت الدوله مخبر کسبیون بودجه - حقوق دربار سلطنتی که از طرف دولت پیشنهاد شده همان مبلغی است که سابقاً از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است.

رئیس - رای میگیرم آقایی که ماده اول ضمیمه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده دوم ضمیمه قرائت می شود بمضمون ذیل قرائت شد ماده دوم - مجلس شورای ملی پیشنهاد دولت و تصویب کمیسیون ۴۰۰۵۲۰ تومان (بعضی اظهار نمودند این ماده تصویب شده) **رئیس** - در صورتیکه سابقاً تصویب شده است کمیسیون بودجه چرا این ماده را در رایورت خود نوشته است ماده سوم قرائت می شود (ماده سوم باین مضمون قرائت شد) ماده سوم - اعلیحضرت محمد علی شاه پیشنهادی دولت و تصویب مجلس هر دو ۷۵۰۰۰ تومان **رئیس** - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - از آقای مخبر سؤال می نمایم که آیا این هفتاد و پنج هزار تومان را مجلس سابق تصویب کرده است یا خیر؟ **رئیس** - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده می خواهم از آقای مخبر سؤال کنم بعد از آنکه کمیسیون بودجه از حقوق اعلیحضرت شهرباری که امروزه امورات ملت و زمام مملکت بکف کفایت ایشان است تصفیه داد چه نظریه باعث شد که از حقوق اعلیحضرت محمدعلی میرزا با اطلاعی که اعلیحضرت ایشان از فقر و فاقه ملت ایران دارند دسر ننمودند و بقیه بدهی اگر کمیسیون بودجه از حقوق اعلیحضرت شاه مخدوم هم مقداری کسر می نمود نظر باینکه اولاد ایشان در ایران سلطنت دارد و هر کسی هرزحمتی را که در دنیا مقبل میشود برای اولاد است البته ایشان هم دلتنگی از این مسئله حاصل نمی نمودند

محمد هاشم میرزا - آنچه در نظر بنده است موافقی که اعلیحضرت شاه مخلوع استعفا دادند املائی را که در طهران و اندر ایچان و غیره داشتند بکسی دولت ضبط کرد و سالی یکصد هزار تومان برای ایشان معین شده درسته ۱۳۲۹ که بایران مراجعت کردند چون مخالف احکامات مشروطه خواهان بود مذاکراتی شد که این حقوق قطع شود ولی بعد از آنکه مجدداً با اروپا مراجعت کردند قرار شد بیست و پنج هزار تومان دسر و بقیه بایشان داده شود و تا بعد مطابق آن ترتیب رفتار میشود و فعلاً هم چون عده از خانواده سلطنت همراه ایشان هستند و این مبلغ برای مخارج در اروپا زیاد نیست و مطالب دیگری هم که نمی خواهم سابقه اش را عرض کنم در بین هست باینکه بنده دسر نمودن از این مبلغ را صلاح ندانسته و نیدانم آقاییان از چه نقطه نظر میفرمایند باید کسر شود.

رئیس - آقای فہیم الملک موافقت فہیم الملک بلی موافقت ولی توضیحی دارم اگر اجازه بفرمائید **رئیس** - آقای نظام الدوله **نظام الدوله** موافقت

رئیس آقای سلیمان میرزا موافقت یا مخالفت **سلیمان میرزا** مخالفم **رئیس** - بفرمائید **سلیمان میرزا** - اینجا نوشته شده است برای محمد علی شاه هفتاد و پنج هزار تومان از پول ملت بدیم اولاً قبل از آنکه داخل این مذاکره بشوم نیدانم نظامنامه داخلی در اینجا چه حکم میکند البته کسی آقای مخبر را مجبور نمیکند که توضیح بدهند چنانکه تا حالا در مقابل سؤالات سکوت فرموده اند بنده نیدانم اگر تا آخر مذاکره در این لایحه سکوت بفرمایند در این صورت آیا مقصود از مخبری کمیسیون بعمل آمده است یا خیر؟ در صورتیکه در جواب دوسه نفری که قبل از بنده اظهاراتی نمودند سکوت اختیار کرده اند آری از آنکه بنده هم مطالب را عرض کردم از طرف آقای مخبر جواب داده خواهد شد باینکه سکوت میکند و در هر صورت نظامنامه داخلی در اینجا ساکت است حالا می بینم بر سر اصل مطلب رفتی محمدعلی میرزا بایران مراجعت نمود بنده یکی از آن اغضایی بودم که در همان دوره پیشنهاد کردم بر تکتل سابق لغو نشود و بیک کسی که برخلاف قسم خود رفتار کرده و مجلس را خراب کرده و برخلاف مصلحت قیام نموده باید از پول این مملکت پول داده شود حالاً هم آن قرارداد و مضامین زمان تغییر دردم زیرا یکی از مواد آن قرارداد این بوده که هر یک از آن هفت نفر بایران بر گردند حق زب کانی ندارند و این امر در حق موفرا سلطنت معروض شد و هم چنین مجلس شورای ملی یک مجازات اساسی برای آنها معین نمود و چون آنها را خائن باین آب و خاک میدانست برای کسی که اعدام بقتل آنها نند جائزه و پاداش قرارداد و آنها را از حقوق مدنی و اسلامی محروم کرده منتهی کسی نتوانست آن جائزه را دارا بشود و بنده چون سمت نمایندگی دارم نمیتوانم برای یک دینا و این مبلغ برای بدیم و بیجوت و رضی نیستم این پول را نه دینار دینار از افراد و زحماتشان مملکت فرست میشود هفتاد و پنج هزار تومان آن پولی داده خود که باین مملکت خیانت کرده ما با این ۲۵ هزار تومان نمیتوانیم یک اصلاحاتی خواه در عدلیه خواه در معارف بکنیم که یک جماعتی اراکلان فرا در اینجا تحصیل کنند و باز برای نقای که عدلیه هایش مجانی است و حقوق ندارد حقوق برقرار کنیم و بالاخره میتوان باین پول یک اصلاحاتی کرد و این پولی را به مردم بپایند بپایند باید برای ما هم بچیز این مردم صرف شود و حالا هم آن رای را که در دوره دوم دادم تعقیب میکنم عرض میکنم این اغضایی از حقوق مدنی محرومند و حق ندارند از مملکتی که نسبت باین خیانت کرده اند یک دینار دریافت دارند کسی که این مجلس را توطیه بسته و خون جماعتی را ریخته کسی که مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا و مرحوم میرزا جهانگیر خان و مرحوم ملک المتکلمین و آزادی خواهان دیگر را کشته اند بنده در حق آن شخص نمیتوانم و جرات نمیکند ورقه سفید را در جام پیشنهاد بنده خودم را مستول

شهادت آزادی خواه مہدائم بنابر این باندازه سهم خودم تصدیق نمیکند یک دینار بشخص محمدعلی میرزا داده شود

رئیس - آقای فہیم الملک (اجازه)

فہیم الملک - البته در اساس مطلب تمام ما با احساسات شاهزاده سلیمان میرزا را تقدیس میکنیم و ما هم این احساسات را دارا میباشیم لکن در این موضوع یک ترتیب دیگری پیش آمده همانطوریکه شاهزاده محمد هاشم میرزا اشاره کردند در موقع خلع محمد علی شاه قرار شد که تمام املاک او را دولت ضبط کند که در یک حلقه در ایران نداشته باشد و در عرض سالی یکصد هزار تومان باو بدهند این کار هم مجری شد و املاک او را گذار بدولت شد ولی درسته ۱۳۲۹ که بایران عیدت نمود و آن قباچ و قتلها واقع شد و خواستند حقوق او را قطع کنند ولی در آنوقت بعضی پیش آمده و ادعای خاندان دیگری رخ نمود و باین جهت پرتکلی نوشته شده و بالاخره قرار شد بیست و پنج هزار تومان از حقوق او کسر و هفتاد و پنج هزار تومان تأدیه شود علاوه بر این محمد علی میرزا اظهار کرد که چون من عده ای را همراه خود آورده ام و باید مبلغی بآنها بدهم سده هزار تومان بمن مساعده بدهید و سالی ده هزار تومان از حقوق من کسر بگذارید آنرا هم دولت قبول نموده و تأدیه کردید چنانکه تا پانزده سال هم سالی شصت و پنج هزار تومان بیشتر از دولت دریافت نمیداشت در حال این یک حقوقی است که دولت ایران باید تا زمانی که پرتکلی باقی است بپردازد و اینکه آقای فتح الدوله فرمودند مجلس سابق این مبلغ را تصویب کرده است یا خیر بطور کلی باید این را در نظر داشته باشند که بودجه همدساله باید به مجلس بیاید و تصویب شود تصویب یک ساله ای نخواهد بود در فرض اینکه این بودجه را مجلس سابق تصویب کرده باشد امسال هم باید این بودجه به مجلس بیاید و ماده باده تصویب شود

رئیس - آقای حائری زاده مخالف هستید؟

حائری زاده - بلی **رئیس** - بفرمائید

حائری زاده - سابقاً مختصری عرض کردم و حالا هم حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا هراضی بنده را تکمیل فرمودند در هشتم ذی قعدة ۱۳۲۹ مجلس حقوق محمد علی میرزا را در جزء حقوق اغضایی که با حکومت ملی و مملکت ضدت نمودند قطع کرد بعد چون یک فشار هائی بدولت ایران وارد شد دولت مجبور شد یک حقوقی برای حق السکوت روسها جهت محمد علی میرزا معین کند بنده از نقطه نظر اینکه آن مصادقات و آن فشارها از بین رفته و روسیه آزاد امروز با فشاری ندارونی توانم رای بدیم سالی هفتاد و پنج هزار تومان یک شخصی که نسبت بمملکت خودش و نسبت بسلطنت خودش خیانت کرده بدهند ممکن است این پول بسادات فقیر یا در هائی فقیر داده شود و نباید بکسی که بمملکت

خیانت کرده و جماعتی از مسلمین را یکشتن داده همراهی کنیم

در جلسه قبل هم مخالفت خود را اظهار کردم و حالا هم بمخالفت خود باقی هستم

رئیس - آقای محقق العلماء موافقت؟

محقق العلماء - خیر بنده هم مخالفم

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - آقای فہیم الملک که موافقت بودند دشمن صحبت خودشان دلیلی دیگر بر صحت مطالب من اضافه نمودند زیرا اگر این هفتاد و پنج هزار تومان را که می فرمایند ما مدیون هستیم از نقطه نظر پرتکلی است آن پرتکلی به مجلس بآمده و ما هنوز باو رای نداده ایم

بنابر این بیچکس ما ملت را مجبور به قبول آن نمی توانیم بکنیم و مثل سایر قرار دادهائی است که در ایام فقرت بسته شده

مطلب دیگری را که فرمودند در ضمن هراضی بنده را تأیید کردند این است که فرمودند بودجه برای یک سال است همین دلیل بود که بنده هم عرض کردم برای سال بعد تصویب نمیکنیم

زیرا تقصیر اولیش پس نبود در ثانی هم که مراجعت نمود آن همه سبب خرابی مملکت شد حالا با این ترتیب باید باو جائزه بدیم در صورتی که خداوند نه مظهر تمام و تمام و موجد تمام رحمت ها است و رحمتش بر غرضش سبقت دارد و قتی که تکلیف برای مردم بطور رسول خود صلی اله علیه و آله معین می کند یک دفعه می بخشد و می فرماید عقی الله اسلاف و بعد می فرماید و سن عادی بقتل ما هم یک مرتبه بخشیدیم اگر چه حق نداشتیم زیرا بنده نمی توانم خون میرزا جهانگیر خان و ملک المتکلمین با فاسی یا سایر شهادی آزادی خواه را ببخشم چطور می توانم خون اغضایی که در پای همین بهارستان شسته شده اند ببخشم معذات آن دفعه بخشیدیم و لکن دفعه دوم که مجدداً تادرب دروازه تهران آمده و یک عده مردم بیچاره را شسته و آن وحشیگری ها را نموده و رعایتی بیچاره را زیر پا گذاشته آیا کسی می تواند این مسئولیت را قبول کند و چنین کسی که نشسته مسلمین می باشد جائزه و انعام بدهد خیر بنده چنین مسئولیتی را مطابق وظیفه خود نمیتوانم عهده دار بشوم چون من اینطور می فهم و همانطور که عرض کردم اختلاف فتاوی است و رای آقایی که موافق پاراپورت و مخالف عقیده بنده هستند ترویزه بکنم برای اینکه هر کس باندازه خودش می فهمد پس من نظریه خود را تکرار می کنم و عرض می کنم من نمی توانم رای بدیم بکسی که خون مردم را ریخته و با اساس آزادی حمله کرده است و جایزه بدهند چون بودجه هم برای یکسال است و هر قدری برای سال گذشته داده شده در لایحه تفریع بودجه مذاکره خواهد شد و نسبت بگذشته هم بنده در

آنها صحبت خواهم کرد ولی چون این بودجه راحم به آئینده است بنده مذهباً و حقوقاً و قانونانی توانم رای بدیم زیرا مذهب بکسی که مسلمین را کشته و بلاد آنها را خراب کرده جایزه ندهد و حقوقاً و قانوناً هم باشعاری که بر علیه آزادی اقدام کرده اند و خون آزادی خواهان را ریخته اند نمیشود جایزه دادا اگر جائزه لازم است باید به بازمانده گان آن مظلومین داد که بشیر ظلم و هوا و موس ظالمین کشته شده اند باید باینها انگهداری کرد و حقوق داد نباید فراموش کرد که چقدر رعایتی بیچاره در زیر پای ترکمن ها خورد شدند و بهلافت رسیدند حالا آیا صلاح است یک چنین خورد کنند سال هفتاد و پنج هزار تومان انعام بدیم و آنها را تعزیر کنیم و بگوئیم بارک الله احسن آخرین بیانی مردم را خورد کنید خانه ایشان را خراب کنید و من هم که و کیل و نماینده آنها هستم تا زنده هستم سالی هفتاد و پنج هزار تومان بشما جایزه و نواز شصت میدم باز هم تکرار می کنم که روح شهدائی که در فیر هستند مترازل است نه حضور ما بکشنه آنها جایزه می دهم این است که بنده مخالفم و نمیتوانم رای بدیم

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - در مقابل اظهاراتی که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند در یک قسمت اساسی خود بنده هم موافقت برای اینکه یکی از اشخاصی که در آن موقع مسلح شد و چندین شب در دروی خندق برای حفص جامعه لشک داد خود بنده بودم ولی این را هم نباید فراموش کرد که اگر محمدعلی میرزا خیانتائی کرده باشد مربوط بهامه ایرانی نه همراه او هستند نیست حیثیت و شرافت ایرانی با اجازه می دهم که باز بآنها کمک کنیم حالا بنده پیشنهادی تقدیم می کنم و عقیده ام این است که این طور که نوشته است باشد و نه آنطور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند و فعلاً اگر ممکن است مذاکره در این ماده بماند برای جلسه دیگر که فرا گسیونها متعقد شود شاید یک راه حلی برای این قضیه پیدا شود که هم نظریان شاهزاده مدون بوده و هم ما از مسئولیت وجدائی بیرون بیاییم

رئیس - آقای محقق العلماء موافقت یا مخالف؟

محقق العلماء - بنده پیشنهادی کرده ام می خواهم توضیح بدیم **رئیس** - در موقعی که پیشنهاد مطرح می شود توضیح خودتان را بفرمائید شاهزاده محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - با اینکه شاهزاده سلیمان میرزا خیلی جدیت دارند که عقاید محفوظ بماند با این حال هر کس بعنوان مثبت یا منفی عرض میکند ایشان در مقابل یک فرمایشانی می فرمایند که آن

ناظمی که با کمال سادگی عقیده خود را اظهار کرده است مجبور میشود از اظهارات خود دفاع کند بنده عرض کردم پرتکلی که سابقاً بسته شده باین ترتیب بود که ۲۰ هزار تومان از صد هزار تومان حقوق اولی محمد علی میرزا کسر و هفتاد و پنج هزار تومان داده شود

بنده عرض نکردم بآن اشخاصی که مخالف با حکومت ملی نموده جایزه داده شود و نیز حضرت والا این مسئله را نباید از نظر معروض فرمایند همان موقعی که ایشان رأی جائزه برای قاتلین آن اشخاص دادند

بنده هم اول کسی بودم که رأی دادیم بالاخره پس از این قضایا در مجلس سوم هم که همین ۷۰ هزار تومان در حق محمد علی میرزا تصویب شد یک نفر حتی خود حضرت والا هم در این باب اعتراض نکردند

بنده هم فعلاً برای حفظ شرافت یک خانواده ایرانی که در آنجا هستند و از نقطه نظر اینکه دولت ده دوازده سال قبل یک قرار دادی راجع باین مسئله بسته است

صلاح مملکت را در این نمی دانم که تجدید مطلب در یک قرار داده دوازده ساله بشود و بهیچ وجه از عقیده خود بر نمیگردد همین طور که ایشان مصلحت مملکت را در مخالفت با راپورت نمی دانند بنده مصلحت مملکت را این طور می بینم که نسبت با مور محمد علی میرزا تجدید مطلب شود

سلیمان میرزا اجازه می فرماید بنده توضیحی بدهم

رئیس - بفرماید سلیمان میرزا - برای اینکه آقایان فرمایند عقاید ایشان را تروریزه می کنم در ضمن عرایض خود عرض کردم فتاوی مختلف است و هر کس در عقیده خود آزاد است

بنده عرض نکردم که موافقین با این ماده نمی توانند اظهار عقیده کنند یا اینکه خلاف کرده اند بنده عرض کردم هر کس عقیده اش مقدس و آزاد است اگر تند گفته ام دلیلش همان احساسات درونیم بوده والا مقصودی در عرایض نداشته ام

رئیس - آقای نظام الدوله پیشنهاد کرده اند و تقاضا کرده اند این ماده از دستور امروز خارج شود و باند برای جلسه دیگر

هخیر - بنده مخالفم و این پیشنهاد را کمیسیون نمی پذیرد و علت سبکوت بنده هم در شروع به این مذاکره از برای این بود که اولاً کلیه دلایلی که گفته میشود شنیده باشم و یک مرتبه جواب عرض کنم که مجبوری مکرر گوئی نشده باشم نظر دیگر این بود بهیچ طرف هیئت دولت که این جا تشریف دارند چه اظهار عقیده میشود زیرا ممکن بود اظهارات دولت در این خصوص برای من مفید بشود ولی چون هنوز فرصت نشده که از طرف هیئت دولت اظهار عقیده بشود بنده مجبورم توضیحاتی برای

قبول این پیشنهاد بدهم. رئیس - مقصود این نیست که این ماده از راپورت خارج شود مقصود این است که مذاکره واجیع بآن بماند برای جلسه دیگر

هخیر - در هر صورت مذاکراتی که در اینجا شد همانطور که مخالف و موافق تصدیق کردند مبنی بر یک اصول کلی است که در آن اصول حرفی نیست ولیکن در تطبیق آن اصول با رعایت مصالح عمومی و مطالبی که بایستی یک مملکت در نظر داشته باشد بنظر بنده درست تطبیق نشده حالا نسبت به نظریه حضرت والا که فرمودند اختلاف در فتاوی است بنده عرض میکنم در کمیسیون بودجه هم این مطلب در همین حدود و با همین دلایلی که اینجا مذاکره شد مطرح بود و بنده عرایضی را که میکنم انعکاس صداهائی است که در کمیسیون بودجه گفته شده بایستی این مطلب را در نظر بگیریم یک پادشاهی با یک وظیفه داری وقتی نسبت یک مملکتی خیانت میکنند بشود او را کشتن و البته پادشاه خائن را هم باید کشت و بنده هم تصدیق میکنم و موافقم با آقایانی که در همین جا رأی بکشتن یک پادشاهی دادند ولی بعد از آنکه او را نکشتند و بخارجه فرستادند و عقیده نمودند باید بداند که در خارج مردمان اجنبی او را باسم پادشاه ایران صدامیکند آنها دیگر از جزئیات امر خبر ندارند و نمیدانند چه اتفاقاتی پیش آمده آنها او را پادشاه سابق ایران میگویند علیحضرت میگویند این مملکت اختصاص به مملکت ایران ندارد ممالک دیگری هم که پادشاهان خود را محکوم و مغذوع کرده اند و نخواستند آنها را نکشند به ممالک دیگر تبعید کرده اند همیشه مایل بوده اند حفظ حیثیات مملکتی را که آنها یک روزی بآن منتسب بوده اند بکنند امروز نباید گفت برای انعقاد یک پرتکلی این پول داده میشود نه اینطور نیست این پول برای حفظ حیثیات مملکت ایران و ملت ایران در مقابل افراد اجنبی و در مقابل افراد خارجی داده میشود این پولی را که دولت قرار گذاشته بدهد اگر حضرت والا فراموش نفرموده باشند در مدتی هم که مجلس سوم بود این پول داده شد و خود حضرت والا هم تشریف داشتند این پول چه بود؟ برای این بود که آنروز هم این نکات در نظر بود بنده نسبت باین مذاکرات هیچ مخالفتی ندارم و چنانچه فرمودند اختلاف فتاوی است و ممکن است عقاید در یک موردی تغییر بکنند ولیکن بنده نقطه نظر خود را خواستم تشریح بکنم تا آقایان تصور فرمایند در کمیسیون بودجه این مذاکرات نشده آقای رئیس الوزرا حایه هم تشریف داشتند و بعد از آنکه همه این مذاکرات شد مسأله لزوم فقط اهمیت و عظمت این مملکت در خارج ما را و داشت که از این مطالب همانطور که مجلس سوم صرف نظر کرده صرف نظر کنیم والا کیست در این مجلس که با حضرت والا موافق نباشد و این اقداماتی که مدعی میگویند خوب بوده البته هیچوقت از نظر افراد ایرانی معروض نخواهد شد کیست که احساساتش تطبیق با احساسات حضرت والا نکند و لیکن بعد بفرماید

گاهی در موارد سیاست عمومی و مصالح بزرگ مملکتی احساسات را باید زنجیر کرد و راضی شد در مقابل احساسات رفیق تا یک قدری هم صدای فکر عمومی رساتر باشد ولو با حقیقت هم موافقت نداشته باشد رئیس - باید باین پیشنهاد که قرائت میشود رأی بگیریم چون راجع بدستور است حق تقدم دارد.

(پیشنهاد آقای نظام الدوله بمضون ذیل قرائت شد)

برای اینکه مذاکرات در مجلس رسمی را بیعضی نظریات سیاسی مقتضی ننمایند بنده پیشنهاد میکنم این ماده بماند تا در فرا کمیسیون مذاکرات لازم بشود که هم محظورات مرتفع شود و هم نظریات شاهزاده سلیمان میرزا تا اندازه محفوظ بماند

رئیس - نسبت به پیشنهاد کسی اجازه نمی خواهم آقای اقبال السلطان (اجازه) اقبال السلطان - بمقیه بنده لازم نیست راجع باین پیشنهاد رأی گرفته شود چون مدتی از شب گذشته است خوب است کلیه بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد

وئیس - باید رأی بگیریم رئیس الوزرا بنده اساساً با اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم ایشان حق دارند ولی از طرفی گمان می کنم جوابهایی هم که آقای هخیر دادند افقاع کننده است و بنده هم مخصوصاً یک مسئله را تذکر می دهم که آقایان از مد نظر دور ندارند و نمی خواهم فرمایشاتی را که بعضی آقایان و مغیر محترم فرمودند تکرار کنم ولی کلیه یک مسئله را نباید از مد نظر دور بدارند و آن این است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را که دولت و ملت ایران قبول کرده و چندین سال هم هست می پردازند فی الواقع بر حسب یک وعده بوده است که در مقابل بتعید کردن شاه مغذوع داده است و فقط برای حفظ آبرو و حیثیت او زندگی عائله او بوده گمان می کنم بهیچ وجه برای یک ملی مخصوصاً ملت ایران که همیشه مشهور به نجات و شرافت بوده است شایسته نباشد قول و وعده خود را نقض کند اینجا اظهاراتی شد که از برای بحکال رأی داده شده در صورتی که اینطور نیست و مدتی برای ادای این رجه معین نشده لذا بنده متوقف همانطور که چندین سال است این وجه داده می شود آقایان نمایندگان از نقطه نظر حفظ شرافت ایران قبول بکنند باز هم پرداخته شود این در خود شرافت ملت ایران نیست ملت ایران خیلی شرافت تندر و خیلی نجیب تر از آن است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را بخواهد نهد و گمان نمی کنم آقایان هم که نمایندگان این ملت هستند راضی باین مسئله بشوند بنا بر این بنده استدعا می کنم راجع باین مطلب آقایان نمایندگان در همین جلسه رأی بدهند

رئیس - باید رأی بگیریم رئیس الوزرا بنده اساساً با اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم ایشان حق دارند ولی از طرفی گمان می کنم جوابهایی هم که آقای هخیر دادند افقاع کننده است و بنده هم مخصوصاً یک مسئله را تذکر می دهم که آقایان از مد نظر دور ندارند و نمی خواهم فرمایشاتی را که بعضی آقایان و مغیر محترم فرمودند تکرار کنم ولی کلیه یک مسئله را نباید از مد نظر دور بدارند و آن این است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را که دولت و ملت ایران قبول کرده و چندین سال هم هست می پردازند فی الواقع بر حسب یک وعده بوده است که در مقابل بتعید کردن شاه مغذوع داده است و فقط برای حفظ آبرو و حیثیت او زندگی عائله او بوده گمان می کنم بهیچ وجه برای یک ملی مخصوصاً ملت ایران که همیشه مشهور به نجات و شرافت بوده است شایسته نباشد قول و وعده خود را نقض کند اینجا اظهاراتی شد که از برای بحکال رأی داده شده در صورتی که اینطور نیست و مدتی برای ادای این رجه معین نشده لذا بنده متوقف همانطور که چندین سال است این وجه داده می شود آقایان نمایندگان از نقطه نظر حفظ شرافت ایران قبول بکنند باز هم پرداخته شود این در خود شرافت ملت ایران نیست ملت ایران خیلی شرافت تندر و خیلی نجیب تر از آن است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را بخواهد نهد و گمان نمی کنم آقایان هم که نمایندگان این ملت هستند راضی باین مسئله بشوند بنا بر این بنده استدعا می کنم راجع باین مطلب آقایان نمایندگان در همین جلسه رأی بدهند

رئیس - باید رأی بگیریم رئیس الوزرا بنده اساساً با اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم ایشان حق دارند ولی از طرفی گمان می کنم جوابهایی هم که آقای هخیر دادند افقاع کننده است و بنده هم مخصوصاً یک مسئله را تذکر می دهم که آقایان از مد نظر دور ندارند و نمی خواهم فرمایشاتی را که بعضی آقایان و مغیر محترم فرمودند تکرار کنم ولی کلیه یک مسئله را نباید از مد نظر دور بدارند و آن این است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را که دولت و ملت ایران قبول کرده و چندین سال هم هست می پردازند فی الواقع بر حسب یک وعده بوده است که در مقابل بتعید کردن شاه مغذوع داده است و فقط برای حفظ آبرو و حیثیت او زندگی عائله او بوده گمان می کنم بهیچ وجه برای یک ملی مخصوصاً ملت ایران که همیشه مشهور به نجات و شرافت بوده است شایسته نباشد قول و وعده خود را نقض کند اینجا اظهاراتی شد که از برای بحکال رأی داده شده در صورتی که اینطور نیست و مدتی برای ادای این رجه معین نشده لذا بنده متوقف همانطور که چندین سال است این وجه داده می شود آقایان نمایندگان از نقطه نظر حفظ شرافت ایران قبول بکنند باز هم پرداخته شود این در خود شرافت ملت ایران نیست ملت ایران خیلی شرافت تندر و خیلی نجیب تر از آن است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را بخواهد نهد و گمان نمی کنم آقایان هم که نمایندگان این ملت هستند راضی باین مسئله بشوند بنا بر این بنده استدعا می کنم راجع باین مطلب آقایان نمایندگان در همین جلسه رأی بدهند

رئیس - باید رأی بگیریم رئیس الوزرا بنده اساساً با اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم ایشان حق دارند ولی از طرفی گمان می کنم جوابهایی هم که آقای هخیر دادند افقاع کننده است و بنده هم مخصوصاً یک مسئله را تذکر می دهم که آقایان از مد نظر دور ندارند و نمی خواهم فرمایشاتی را که بعضی آقایان و مغیر محترم فرمودند تکرار کنم ولی کلیه یک مسئله را نباید از مد نظر دور بدارند و آن این است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را که دولت و ملت ایران قبول کرده و چندین سال هم هست می پردازند فی الواقع بر حسب یک وعده بوده است که در مقابل بتعید کردن شاه مغذوع داده است و فقط برای حفظ آبرو و حیثیت او زندگی عائله او بوده گمان می کنم بهیچ وجه برای یک ملی مخصوصاً ملت ایران که همیشه مشهور به نجات و شرافت بوده است شایسته نباشد قول و وعده خود را نقض کند اینجا اظهاراتی شد که از برای بحکال رأی داده شده در صورتی که اینطور نیست و مدتی برای ادای این رجه معین نشده لذا بنده متوقف همانطور که چندین سال است این وجه داده می شود آقایان نمایندگان از نقطه نظر حفظ شرافت ایران قبول بکنند باز هم پرداخته شود این در خود شرافت ملت ایران نیست ملت ایران خیلی شرافت تندر و خیلی نجیب تر از آن است که این هفتاد و پنجاه هزار تومان را بخواهد نهد و گمان نمی کنم آقایان هم که نمایندگان این ملت هستند راضی باین مسئله بشوند بنا بر این بنده استدعا می کنم راجع باین مطلب آقایان نمایندگان در همین جلسه رأی بدهند

نظام الدوله - پس از بیانات حضرت اشرف آقای مشیر الدوله رئیس الوزرا بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم و البته با بیانات ایشان همه نمائندگان موافقت

رئیس آقای نظام الدوله پیشنهاد خود را مسترد داشتند مذاکرات در ماده سوم کافی است (جمعی گفتند کافی است)

دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای معحق العلماء که سی هزار تومان داده شود و دیگری از طرف آقای حاج شیخ اسماعیل که ۶۰ هزار تومان داده شود آقای معحق العلماء توضیحاتی دارند بفرمایند

معحق العلماء - بنده کاملاً تصدیق می کنم فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا و البته همه آقایان نمائندگان هم تصدیق می کنند و گمان نمی کنم در میان نمائندگان هم کسی متکر این مطلب باشد ولی نظر باینکه معروف است خود محمد علی میرزا در اینجا املاکی داشته است

یک دولت ضبط نموده و جزء حاکمه دولت است علاوه چون پدر شاهنشاه ایران است احترام او همراه او هستند بی گناه و بی تقصیرند نظر باین ملاحظات بنده پیشنهاد می کنم که سالی سی هزار تومان داده شود

حائری زاده - بنده مخالف این پیشنهاد هستم

رئیس - خطاب به حائری زاده مگر شما جزء کمیسیون هستید

حائری زاده - خیر چون با اصل ماده مخالف بودم با این پیشنهاد هم مخالف هستم رئیس - ماده ۲۳ را ملاحظه بنمائید فقط اعضاء کمیسیون در پیشنهاد حق مذاکره دارند مغیر بنده پس از توضیحاتی که عرض کردم و فرمایشاتی که آقای رئیس الوزرا فرمودند همین قدر خاطر آقای معحق العلماء را متذکر می شوم در صورتی که اصولاً قائل باشند که باید این همراهی را با شاه مغذوع کرده نباید از نظر معوض نمود که با سی هزار تومان و چهل هزار تومان یک عائله زیادی ممکن نیست در اروپا زندگانی با شرافتی بکنند و با این مبلغ یک زندگانی بطور بی شرفی خواهد شد در کمیسیون هم این مذاکرات شد یک پیشنهاد تقابلی هم نمودند ولی رد شد همین قدر می خواستم خاطر آقایان را متوجه کنم که سالی هفتاد و پنج هزار تومان مقداری است که هیچ نمی شود کسر کرد

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای معحق العلماء که در عرض هفتاد و پنج هزار تومان سی هزار تومان داده شود آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (همه چهار نفر قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد رأی می گیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ اسماعیل

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای معحق العلماء که در عرض هفتاد و پنج هزار تومان سی هزار تومان داده شود آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (همه چهار نفر قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد رأی می گیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ اسماعیل

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای معحق العلماء که در عرض هفتاد و پنج هزار تومان سی هزار تومان داده شود آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (همه چهار نفر قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد رأی می گیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ اسماعیل

و راجع شده بود به کمیسیون متشکرات چون کمیسیون متشکرات آنرا قابل توجه دانسته حالا باید رأی بگیریم اگر آقایان قابل توجه ندانند رجوع میشود بکمیسیون مربوطه آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد کمیسیون مربوطه باین امر کمیسیون قوانین مالمه است بکمیسیون مالمه رجوع میشود

(گفتند صحیح است)

رئیس - در این باب مخالفی هست ؟ (گفته شد خیر)

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه مطرح است از ماده چهارم ضمیمه باید مذاکره شروع بشود آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در ماده چهارم عرضی نداشتم عرایض بنده مزاج بود بدم است

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در جلسه گذشت بنده عرض کردم این اعتباراتیکه بدولت داده می شود از برای تشکیلات جدید است و بموجب این اعتبارات دولت می تواند بعضی از دوائر زائده را حذف کند و اجزای زیادی را تقلیل کند تا بودجه آنها مطابق اعتباری که کمیسیون بودجه تصویب کرده است بشود در صورتی که بنده در روز نامه دیدم که وزارت مالمه یک اصل را بیش از پیش گرفته است که بقیه بنده خیلی غلط است

رئیس - در ماده چهارم مذاکره میشود شاعر ماده ۵ مذاکره میکنند

حائری زاده - راجع به وزارت مالمه نیست ؟

رئیس - خیر نسبت به ماده ۴ مخالفی هست یا خیر آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در صورتیکه رئیس الوزرا یک وزارتخانه دیگری را تقلیل بکنند آیا حقوق آنوزارتخانه را هم که تقلیل میکنند خواهد گرفت با فقط منحصر به همین حقوق ریاست وزرائی خواهد بود

مغیر - این سؤال آقای دولت آبادی ظاهرأ راجع بحقوق شخص ریاست وزراء است یعنی رئیس الوزرا در صورتیکه شخصاً حقوق ریاست وزرائی را بگیرد حقوق وزارتخانه دیگری را هم که اداره میکنند بگیرد یا نه ؟

تا حالا که اینطور موسوم بوده ولی این حقوق که در این بودجه نوشته شده متعلق بشخص رئیس الوزرا و کابینه ریاست وزراء است آیا در خصوص اینکه اگر رئیس الوزرا وزارت دیگری را هم اداره کند آیا حقوق آنوزارتخانه را هم می تواند بگیرد یا نه این مسئله یک مطلب اساسی است و گفتگو در آن مربوط باین ماده نیست وانی تا اکنون معمول این طور بوده و گمان می کنم باید حتماً هم همین

حاج شیخ اسماعیل - بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم رئیس - رای می گیریم بماده سوم ضمیمه راپورت کمیسیون بودجه آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام نمایند اکن - نمایندگان قیام نمودند رئیس - تصویب شد گمان می کنم همه آقایان موافق باشند که جلسه ختم شود جلسه آینده روز سه شنبه یک ساعت بخروب مانده دستور هم بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه خواهد بود (مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد) مؤمن الملك

رئیس - تصویب شد گمان می کنم همه آقایان موافق باشند که جلسه ختم شود جلسه آینده روز سه شنبه یک ساعت بخروب مانده دستور هم بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه خواهد بود (مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد) مؤمن الملك

جلسه ۶۴ صورت مشروح مجلس سوم سه شنبه ۹۱ دلو ۱۳۰۰ مطابق دوم جمادی الثانیه ۱۳۴۰

مجلس تقریباً نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم شنبه هشتم دلو را آقای ندین قرائت نمودند)

رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی هست یا خیر ؟ آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی در صورت مجلس اعتراضی دارند

حاج میرزا علی محمد - بلی در صورت مجلس نوشته شده که در ماده دوم رأی گرفته نشد لازم بود علت هم ذکر بشود یعنی نوشته شود که چون سابق رأی داده شده بود باین جهت رأی گرفته نشد

رئیس - این بودجه متعلق بسال آتی است و رای که سابق در بودجه مجلس داده شده بود متعلق هذه السنه است تا اول حمل الدایه نسبت بماده دوم هم تجدید رأی شود

(گفته شد صحیح است)

رئیس - دیگر اعتراضی بصورت مجلس نیست (اظهاری نشد) چون اعتراضی نیست صورت مجلس تصویب شد یک فقره راپورت از کمیسیون متشکرات رسیده است آقای سیدد الملك تشریف بیاد راپورت و اثرات کنند

آقای سیدد الملك راپورت کمیسیون متشکرات را بمضون ذیل قرائت نمودند

کمیسیون متشکرات در جلسه هشتم دلو ۱۳۰۰ مطابق ۰۰۰ معحق العلماء - آقا شمرده تر و بلندتر بخوانید

سیدد الملك - کمیسیون متشکرات در جلسه هشتم دلو ۱۳۰۰ مطابق بیست و نهم جمادی الاولی ۱۳۴۰ طرح قانونی و پیشنهادی آقای معتمد السلطنه را که متضمن ۳ ماده بود برای اینکه بکلیه عواید غیر مستقیم الصاق تمبر شود تحت مذاکره گذارده با کثرت قابل توجه گردید

رئیس - این طرح قانونی را آقای معتمد السلطنه که پیشنهاد کرده بوده بکلیه عواید غیر مستقیم تمبر الصاق شود

طوبه باشد
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد -
(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - حقوقی که از برای ریاست وزراء معین کرده اند دو مقابل حقوق سایر وزراء است اگر سایرین هزار تومان دارند رئیس الوزراء ۲۰۰۰ تومان خواهد داشت و اگر يك وزارتخانه دیگری را آنوقت متشکل بشود و از آن بابت هم حقوقی دریافت نماید سه برابر سایرین باید حقوق بگیرد و بنده تصور می کنم این مقدار خیلی زیاد باشد .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موفقید یا مخالف ؟

حاج شیخ اسدالله - موافقم
رئیس - بفرمائید
حاج شیخ اسدالله - اینطور که آقای مغیر فرمودند این قضیه مربوط باین قسمت یعنی ماده چهارم نیست این مبلغ فقط حقوق شخصی رئیس الوزراء است و مخارج کابینه و اداره رئیس الوزراء اما راجع بآن قسمتی که می فرمائید ۲۰۰ اگر رئیس الوزراء يك وزارتخانه دیگری را اداره بکند حقوق آن وزارت خانه را هم می گیرد یا نه ؟ در این خصوص يك پیشنهادی از طرف وزارت مالیه شده است و فعلا در کمیسیون بودجه مطرح مذاکره است و البته باورت آن مجلس خواهد آمد و فعلا هم در کمیسیون نظریات مختلفی در اطراف این قضیه در جریان است بعضی این نظریه را دارند که رئیس الوزراء نباید غیر از از حقوق مقرره رئیس الوزراءی حقوق دیگری بگیرد بعضی عقیده دارند که هر وزارتخانه را شخص رئیس الوزراء اداره میکند باید حقوق آن وزارتخانه را هم بگیرد بالفعل مذاکره در کمیسیون بودجه دو این موضوع هست و هنوز با تمام نرسیده در جلسه آتی که کمیسیون همین مطلب مخصوصا مطرح مذاکره واقع خواهد شد و البته نظریه ای که کمیسیون اتخاذ می نماید به مجلس مقدس پیشنهاد خواهد نمود .
فعلا این مذاکرات راجع بماده نیست بلکه فقط ماده چهارم راجع بعقوبت شخص رئیس الوزراء و کابینه او است و زیاد هم منظور نشده است .

رئیس - آقای سهام السلطان موافقت می نماید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - عریض بنده گفته شد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)
رای می گیریم آقایانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۴ مطرح مذاکره است . آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - کمیسیون بودجه بدولت اعتبار می دهد که وزارت مالیه رابه دو ملیون و سصد هزار تومان اداره کند اهم از مالیه مرکز و ایالات و ولایات ولیکن بنده از آقای مغیر معتبرم يك سوالی می کنم خوب است ایشان هم فدوی عریض بنده توجه فرمایند و جواب سوال بنده را بدهند در زمانی که شوشتر باینجا آمد و خزانه دار خد بعنوان ژاندارم مالیه تأسیس یکمده ژاندارم کرد و حقوق آن مده از وزارت مالیه داده می شد بعد که این ترتیب بهم خورد و شوشتر رفت بعضی از رؤسای مالیه برای شئونات و تعیلات خودشان یکمده سوار تهیه کردند رفتی که ما ملاحظه می کنیم می بینیم این سوارها را فیراز برای تحمل و شئونات شخصی خودشان برای کار دیگری نمی خواهند و يك حقوق گرافتی برای دولت تحمل می کنند . آقایان ما نمایندگان ملت هستیم میدانیم که ملت بیچاره بدولت ایران هیچوقت سر پیچ از دادن مالیات نیستند و ابتدا تهرود می کنند و محتاج نیست باینکه سوار ژاندارم برود مالیات وصول کند چون من خودم دهت هشتم میدانم که چقدر مردم ایران در مقام تسکین بدولت ایران هستند و بنده همیشه در نظر داشتم اگر خدا بخواهد يك رفتی شود که حرف من موافق قبول پیدا کند پیشنهادی کنم که این دوره هم ادارات مالیه در ایالات و ولایات يك دارای يك سلطنت مستقلی هستند و این ترتیبی که دارند خانه داده شود . آقایان رئیس مالیه که يك مده سوار داشته باشد عدله هم همینطور . فلان و فلان هم همینطور آنوقت حقوق این سوار ها هم بر ملت تحمل شده و از خزانه دولت باید داده شود و هم غارتگری میکنند چنان که به کرات دیده شده و محتاج به شرح نیست . بالاخره بنده اساسا عرض میکنم که مالیات دادن رهیت ایران محتاج بفرستادن سوار مالیه نیست خودشان مطیع و منقاد هستند . حتما در نظر دارم که اغلب ملاکین در مابین خود ضرب الثانی دارند میگویند چیزی را که نمیشود خورد مالیات دولت است و سوار ابدال لازم نیست خودشان با نهایت تسکین و انقیاد میدهند بملاوه الحمدلله حالا که دولت ایران يك قشون منظم و مرتبی دارد و در حقیقت از برای ما بسی سر افزای است که دولت در پنج ناحیه ایران قشون دارد . وجود همین قشونها مانع از تهرود هر کسی است و بواسطه همین قشونها تمام مالیات وصول میشود دیگر محتاج بسوار مالیه نیستیم وقتی که ما باین مسئله توجه کنیم می بینیم خیلی از بودجه وزارت مالیه کسر می شود آیا کمیسیون بودجه این ملاحظه را کرده است که ما محتاج بسوار و ژاندارم و اجزای طویل و عریضی در مالیه نیستیم یا اینکه تصور نکرده است و کسر کردن این مخارج زیادی را در نظر داشته است یا خیر خوب است آقای مغیر يك توضیحی بدهند تا بنده قانع شوم .
مخیر - ایراد نماینده معتبرم گویا راجع به

سوار مالیه و ژاندارم مالیه است اگر بنده اشتباه نکنم بحث در این موضوع ظاهرا بحث در آثار حقیه است چون امروز مدتی است بنده می شنوم سوار مالیه و ژاندارم مالیه در جانی میباشد (گفته شد صریح است) يك اداره ژاندارمری در سابق بوده آنهم حالا داخل قشون شده و علاوه بر این گمان میکنم این مسئله اساسا خارج از موضوع و فعلا قابل مذاکره نباشد و اما نسبت باینکه آیا کمیسیون بودجه در نظر گرفته است که این بودجه برای وزارت مالیه زیاد است یا نه تصور می کنم اگر این دو رقم را در ضمیمه مقابله فرمایند تفاوت را مسئله مشاهده خواهند فرمود که چقدر است پیشتهادی دولت که بودجه معمول بدو مخرجی سه پیچیل (یار سال) بوده ۲۴۹۵۰۰۰ تومان است و بودجه ای که در کمیسیون تصویب شده ۱۶۰۰۰۰۰ تومان است و تفاوتش ۸۹۵۰۰۰ تومان میشود که کسر شده است و اگر بدقت ملاحظه فرمایید خواهید دید ثلث بلکه بیشتر کسر شده است .

رئیس آقای حاج میرزا مرتضی .
(اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده از نقطه نظر اینکه نباید دولت ارقام خرجش اضافه بردخل باشد بر همین اعتباری که بدولت داده شده اعتراض دارم و با همین بودجه که امروز برای وزارت مالیه نوشته شده است مخالفم زیرا گذشته از اداره مالیه مرکز که معلوم است چقدر از مردم می گیرد و چقدر بودجه دارد و تسکیناتش چیست وقتی بدوائر مالیه نقاط جزء و ایالات و ولایات نگاه کنیم می بینیم ممکن است این بودجه که دولت برای آنها منظور می نماید نصف بکند کما اینکه در مالیه کرمان پیشکار مالیه که آقای مهندس المالك بودند سه هزار تومان از بودجه آنها کسر کردند و باز هم ممکن است از آن مبلغ کم نموده در صورتیکه قبل از کسر کردن مبلغی از اوضاع مالیه آنجا خرج و مخرج بود و بعد بهتر شد و باز الان هم میشود از آن مبلغ کسر نمود . همینطور اصفهان و کرمانشاهان و غیره ۵۰ و بالاخره عقیده بنده این است این بودجه ای که برای مالیه منظور شده است خیلی زیاد است و باز میشود کسر کرد که ارقام دخل و خرج با یکدیگر مطابقه کند و هر روز دستمان برای استقراض بین اجانب دراز نشود .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موفقید
حاج شیخ اسدالله - بلی .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده راجع بتوضیحات آقای مغیر عرض میکنم خوب است يك نظر توجه رفتی فرمایند که سوار مالیه هنوز باقیست (بعضی گفتند خیر نیست) بنده که دروغ نمیگویم و این يك چیز واضحی است خود بنده مطلع هستم که سوار مالیه

برای فارس تعیین کرده اند .
مخیر - سوار مالیه دیگر نیست .

آقا سید یعقوب - خیر هست بنده میدانم و به آقای مغیر عرض میکنم که کمیسیون یا مجلس بوزارت مالیه بنویسد که دیگر دولت باین سوارها پول نمیدهد و برای قشون و تشخص آقایان امنای مالیه دولت نمیتواند مخارج زیادی را متحمل بشود و اینکه امروز آقای زنجانی راجع بسکام بعضی چیزها فرمودند اگر بابالات و ولایات نگاه کنید می بینید که روسای مالیه از فرمانفرمایان ایالات و ولایات بالاتر حرکت میکنند و فرمانفرمایان ایالات در تحت حکم روسای مالیه هستند چون میگویند مالیات در دست آنها است . خوب است يك روزی بکمیسیون عریض تشریف بیارید تا از اعمال امنای مالیه مطلع شوید و ببینید مردم چقدر شکایت از آنها دارند و آنها هم پشت گرمی واستظهارشان بهمین سوارها است بنده میخواهم بگویم که خوب است بوزارت مالیه اعلام شود که شاه بازیهای امنای مالیه در ولایات موقوف شود و این شئونات و سوار و غیره را کنار بگذارند چون دولت الان کسر بودجه دارد از کجا مخارج شئونات و مشغصات آقایان امنای مالیه را بدهد و باید روی آنها قلم کشیده شود و راجع به اصل مطلب که بودجه مالیه باشد ما باید ببینیم دخل ما چقدر و مخارج ما چقدر است دخل ما نوزده ملیون است و در مقابل آن وصول نوزده ملیون چقدر ما باید مخارج منظور کنیم این ملت و رهیت بدولت مطیع و منقاد ایران چرا باید صدی بیست مخارج وصول مالیات از آنها بشود این مقدار خرج برای وصول مالیات مطابق قانون شرع هم نیست .

اگر ملاحظه فرمائید قانون شرع میفرماید هشت يك باید خرج بشود بلکه باید از سیزده تومان يك تومان خرج بشود بنده بمالك دیگر کار ندارم که رفایا شان نسبت بدولت متعذر هستند بنده نظرم بملت مطیع و منقاد ایران است و عرض می کنم این مبلغ برای وصول نوزده ملیون زیاد است و باید کسر شود و از هر کجای آن که میدانند می شود کسر کرد . باید کسر بکنند ما باید خرجمان با دخلمان مطابقت بکنند . باید یا وزارت مالیه بنشیند و مشورت کنید و راه حلی برای این مطلب پیدا بکنید که این مخارج زیادی حذف شود و بالاخره برای نوزده ملیون عایدات اینقدر نمیشود مخارج درست کرد .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اما راجع بسوار مالیه يك کاردار مالیه سابق در ولایات بود و منحل شد و امروز يك مده مختصری سوارهست که بعنوان تحصیلداری برای جمع آوری مالیات میروند و دیگر کار مالیه در این نیست و اگر هم سواری دردهات برای جمع آوری مالیات باشد باسم تحصیلدار است اما راجع بفرمایش آقای آقا سید یعقوب عرض می کنم همانطور که آقای مغیر فرمودند (۸۹۵)

هزار تومان از بودجه مالیه کسر شده است و اگر نسبت به عایدات مستقیم و غیر مستقیم ملاحظه فرمائید باز هم مطابق صدقه شاید جزئی اضافه باشد
(بعضی گفتند صدی بیست است)

حاج شیخ اسدالله - خیر صدی بیست نمیشود صد ده بلک جزئی اضافه است حالا اگر فرضا آقایان نمائندگان این مبلغ را هم زیاد بدانند باید بتدریج اصلاح کرد و یکمده (بقول آقایان) این ادارات بر طول و عرض رانی شود حلف کرد باید رفته اصلاح کرد و کسر نمود .

کمیسیون بودجه هشتصد هزار تومان و کسر کم نموده بیش از این نمی شود فعلا کسر کرد و بکسر از مواد پیشتهادی کمیسیون بودجه هم این است که حتما باید تا اول حبل وزارتخانه ها بودجه جرحه دروا بمجلس بفرستند . آنوقت اگر باز زیادی در آن بودجه ملاحظه فرمودند در آنوقت ممکن است هر چه می خواهند کسر نمایند و مخارج زیادی را بزنند ولی امروز نمیشود این کار را کرد و نمیشود هم گفت که ما امروز رای میدهم که تا بودجه جرحه یابید و او را ملاحظه کنیم و کسر کنیم امروز باید باین ورقه رای بدهیم و در موقع رسیدن بودجه جرحه بمجلس شورای ملی هر چه در نظر دارید آنوقت ممکن است معمول بدارید ولی حالا تصور میکنم موقعش نباشد

رئیس - آقای نظام الدوله موافقت می نماید یا مخالف ؟

نظام الدوله - بنده با قسمت اخیر بیانات آقای حاج شیخ اسدالله موافق هستم
رئیس - باماده ضمیمه چطور ؟

نظام الدوله - مخالفم
رئیس - بفرمائید

نظام الدوله - مخالفم بنده از این رأی است که يك اطلاعات اساسی در امور و رفتار و عملیات اساسی مالیه در ولایات دارم چون خود بنده دو بار کار کرده ام و حقیقه این میزان که برای وزارت مالیه معین شده فوق العاده زیاد است و گمان می کنم به ثلث یا نصف این مبلغ بشود ادارات مالیه را مرتب کرد که درست يك قانون منظمی اداره شود تا هم شکایات مردم کم شود و هم اسباب زحمت مردم فراهم نشود برای اینست که در سنه ۱۳۲۶ بنده حاکم مازندران بودم مالیات را هم خود بنده میگرفتم و تمام مالیات آنجا را بدون کسر و نقصان بدولت میدادم اما مالی هم ابد آشکایی نداشتند و برای وصول مالیات مازندران به جهت تقریباً هر تومانی بیشتر خرج شد و امروز هم اینهمه مخارج برای وصول مالیات بدولت تحویل شده و هم مردم خیلی شاکه هستند از ظرفی هم در آخر سال بجز ارقام روی کاغذ چیز دیگری برای دولت باقی نمی ماند ولی چون بنده این ورقه را بودجه نمیدانم و يك اعتبار وقتیه است که در ظرف یکماه و نیم بدولت داده شده که باید بودجه جزء خود را در حدود این اعتبار تهیه و بمجلس تقدیم نماید لذا عرض کردم باخیر فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله موافقم

رئیس - آقای قلی موفقید
آقای میرزا ابراهیم قلی - بنده مخالفم
رئیس - آقای سهام السلطان موافقت می نماید
رئیس - بفرمائید

سهام السلطان - البته تصدیق می فرمایید این مبلغی را که کمیسیون بودجه برای وزارت مالیه نوشته اند بیشتر از این مبلغی که (۸۹۵) هزار تومان است نمیتوانستیم کسر کنیم در مرحله اول این مقدار کسر شده و بعد از آنکه بودجه جرحه بمجلس شورای ملی آمد و صاحبان حقوق آنها تعیین شد آنوقت می شود ملاحظه کرد و اگر زیادی بود از او کسر نمائند ولی بمقتضای بنده حالا نمی شود بیشتر از این کسر کرد و باید امروز این مبلغ را تصویب کنیم و پس از آنکه صورت تشکیلات از مجلس شورای ملی گذشت و بودجه جزء آمد آنوقت هر چه بخواهیم کسر کنیم . اگر امروز بیش از این نتوانستیم کسر کنیم در مرحله ثانی البته اقدام خواهیم کرد

رئیس آقای آقا میرزا ابراهیم قلی
(اجازه)

آقای میرزا ابراهیم قلی - بنده کاملا با تقابل مخارج و توازن جمع و خرج موافقم ولی بطرز وصول مالیات در این ادارات بر طول و عرض مخالفم در زمان استبداد در نظر دارم که يك فراش باشی (سوء نظام نشود بنده طرفدار استبداد نیستم) ولی طرفدار این ادارات قوی البشیه و عظیم البشیه هم نیستم بالاخره این فراش باشی مالیات تمام مکتونات اطراف طهران و خود طهران را وصول می کرد و بخزانه دولت تحویل میداد فقط دیوستان تومان فایده میرد و بهمان اندازه هم اکتفا می کرد مثلاً امروز يك بلك يك قصبه يك رئیس دشانیات يك رئیس تعدید و يك رئیس معاشیات و يك رئیس مالیات مستقیم و بالاخره يك خط زنجیر و رئیس چه وجه نبود

من معتقدم يك تحصیلدار برای اجرای وصول تمیر برای وصول نقدی و يك تحصیلدار برای مالیات جنسی در يك بلك كافی است و بنده معتقدم باین همه اعضای زیادی نیستم که در يك بلك همانطور که عرض کردم يك رئیس مالیه و يك رئیس معاش و چقدر ما دورین دیگر باشند بنده معتقدم بانصف این مبلغ که منظور شده است میشود ادارات مالیه را مرتب و صحیح تشکیل داد و در هر يك از ولایات يك نفر مباشر بفرستند که مالیات را وصول کنند منتهی در مرکز ایالات يك امین مالیه بفرستند که او هم برای هر بلك و قصبه يك مباشر را بفرستد و صحیح بفرستد آنوقت تصور میکنم که باربع این مبلغ که منظور کرده اند بشود ادارات مالیه را مرتب کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم و عرض می کنم که این مسئله در کمیسیون بودجه با بودن رئیس الوزراء و وزیر مالیه سابق و مضویت رئیس فعلی دولت مذاکره شد يك وقت است که اساسا میخواهند

وصول مالیاتها را مثل سابق بمقتضای احکام واگذار کنند اگر این مطلب طرفدار پیدا کند مطابق است علیحدگی ولی این اساسی که از هفت هشت ده سال قبل برای تشکیلات مالی شروع شده لابد یک منظوری بوده است ولی ربط این ادارات بر طول و عرض که آقای آقا میرزا ابراهیم فرمودند تشکیل نشده زیرا اگر به حکام واگذار شود تصور نمیکنم نصف مالیات فعلی دراهم بتواند وصول کند و از همین تشکیلات وزارت مالی هم باندازه نهصد هزار تومان کسر شده است و بیش از اینهم مطابق پیش بینی که در کمیسیون شده نیست و کسر کرد مگر مطابق فرمایش بعضی از آقایان در موقع آمدن بودجه جزء بیجس اگر بخواهند کسر نمایند و این مبلغ در کمیسیون با حضور وزیر مالی سابق تعیین شده و تقریباً ۸۹۰ هزار تومان هم کسر شده و ایشان هم مستلزم شدند بودجه های جزء خود را بیجس بفرستند البته در آنوقت هر چه کم و کسر باشد بنظر آقایان نباید گمان خواهد رسید و اگر زیاد باشد کسر خواهند کرد آنوقت دولت نباید بزودی بموقع اجراء بگذارد .

بعقبه بنده مذاکرات دواظراف این مطلب بقدر کافی شده خوب است بقیه را بگذارند تا موقع رسیدن بودجه های جزء . بنده خیلی متأسف هستم که چرا کفیل مالی حاضر نیست که یا از اعتراضات دفاع کند یا اگر چنانچه می تواند نصف بانک این مبلغ ادارات مالی را اداره کند و بگوید اداره خواهد نمود ولی فعلاً چون این لایحه مدافع ندارد و مدافع اولی هم قبول نمی کرد این مبلغ در کمیسیون تصویب شد و حالا به عقبه بنده مذاکرات در این مطلب کافی است و خوب است رأی گرفته شود

رئیس - آقای فہیم الملک

(اجازه)

فہیم الملک - بنده موافقم و پس از یک مخالف فرمایش خود را عرض خواهم کرد

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده عرض کردم که اگر مقصود از اجازه این تشکیلات کسر کردن حقوق مستخدمین نباشد تقریباً من غیر مستقیم اجازه دزدی داده ام برای اینکه بقدر کمایات باید مستخدمین حقوق داده شود تا دزدی نشود کما اینکه وزارت مالی متجدد مالی صادر کرد که صد سی و شش از حقوق کلبه مستخدمین باید کسر شود در صورتی که این اصل اصل غلطی است فلان مستخدمی که ماهی ۱۲ تومان میگیرد که فلان دروازه را محافظت کند آنوقت صد سی و شش از حقوق او کسر بشود چیزی برای او باقی نیماند و تقریباً اجازه میدهم که دزدی بکند برای اینکه مجبور است زندگانی خود را اداره کند

بنده با تقابل مخارج موافقم و عرض میکنم که باید صد پنج بیشتر مخارج وصول مالیات و عایدات مملکتی نباشد فرضاً اگر بنده خود هم یک متصدی وصول داخلی داشتم برای او هم مسلماً بیش از صد پنج حق تصدی قرار نمیدادم و دولت هم البته بیشتر نباید

فرار بدهد و اما اینکه آقای مہر فرمودند آنجا که کمیسیون تصویب کرد خیلی کمتر از پیشنهادی دولت است خیلی جای تعجب است مثلاً اگر دولت تمام عایدات را (برای وصول مالیات) برای وصول مالیات پیشنهاد می کرد آنوقت کمیسیون هم از او کم می کرد خیلی خدمت کرده بود بعقبه بنده این اصل غلطی است و باید مطابق احتیاجات امروزه رفتار کرد و مخارج زیادی و ادارات زیادی را حذف کرد آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که حالا این بودجه را تصویب بکنیم و در موقع آمدن بودجه جزء بیجس هر چه می خواهیم کسر کنیم و موقع باقی خواهد بود خیلی جای تعجب است که ما اجازه تشکیلات غلط دولت بدیم آنوقت بگوئیم بعد تجدید نظر خواهیم کرد !! حالا این مالی فقیر مملکت ما تقریباً بشود ! آنوقت بخودمان و مدہ بدیم که حالا تصویب می کنیم بعد اصلاح خواهیم کرد و کسر خواهیم نمود ! بنده عرض می کنم خوب است دولت بودجه جزء خود را بفرستد تا ما مذاکره کنیم و آنچه باید کسر بکنیم بعد با خاطر جمعی و اطمینان رأی بدیم بعقبه بنده این است مالیاتی واک دولت می خواهد وصول کند اگر تیر و رواج بدهد آنوقت خیلی مخارج وصول و ارسال کم میشود و برای متصدی فروش تمبر صد دویا صد سی حقوق قرار بدهند و اینهمه ادارات بیج در بیج در این مملکت لازم نیست و مردم در مقابل مالیات خود که بدوات باید بپردازند تمبر بگیرند و اصل کنند آنوقت تقلب نمی شود و مخارج زیادی هم لازم نخواهد شد

اگر وزارت مالی با این تشکیلات امروزه باقی باشد و از حقوق اعضاء و اجراء کسر شود غیر از خرابی و تعدی و دزدی چیز دیگری باقی نمی ماند و باید اصلاح نخواهد شد اگر اداره تمبر فروشی تأسیس کنند و مدہ معینی برای این کار تهیه نمایند و حقوق معینی به آنها بدهند دیگر اینهمه دزدی نمیشود و صد سی و شش هم از حقوق آنها کسر نمیشود و مخارج وصول هم بیش از صد شش بیشتر نخواهد شد و این اصلی که کمیسیون اتخاذ کرده اصلی غلط است

رئیس - آقای فہیم الملک

(اجازه)

فہیم الملک - یک مذاکرات خیلی مفصلی در اطراف بودجه وزارت مالی و طرز وصول مالیات آقایان فرمودند که حالا یکی یکی جواب عرض میکنم یک قسمت راجع بسوارهای مالی بود سوارهای مالی بطوریکه آقایان اشاره فرمودند در بعضی جاها هست و در بعضی جاها نیست و دولت بودنش هم این است که در این چند سال اخیر چند مرتبہ وزارت مالی اقدام کرد که بتواند سوارهای مالی را موقوف کند و بجای او زندام بگذارد .

لیکن در موقع حمل بمظنورانی بر خوردند مثلاً در بعضی جاها وقتی زندانها کاری رجوع میکردند میگفتند تا حکم مخصوص از طرف صاحب منصب مافوق

بما نرسد عقب کار نخواهیم رفت ناچار وزارت مالی از اداره زندانمری تقاضا کرد که مقرر شود مستقیماً مدہای در تحت اوامر وزارت مالی باشند در این صورت باز دچار مشکلاتی شدند و از وجود آنها استفاده حاصل نشد .

برای اینکه باتمام این مذاکرات گاهی در بعضی جاها اتفاق می افتاد که فوراً مأمورین را بر میداشتند و عقب بعضی کار های دیگر میفرستادند و باید مطیع اوامر وزارت مالی نبودند این بود که کار ادارات مالی کثک میشد .

بنابر این دو سه سال قبل تصمیم گرفته شد که در اغلب نقاط دیگر مدہ سوار مخصوص نگاه دارند و در بعضی جاها هم برای وصول مالیات تهیه نمودند که چهار زحمت نشوند لیکن این کارها برای تمام سال نیست فقط برای چند ماه وصول مالیات است و اساساً بنده موافقم که اگر دولت موفق شود و حالا که بعد از افراد قشونی یک سروصورتی پیدا کرده اند وزارت مالی با وزارت جنگ مذاکره کنند و یک ترتیبی اتخاذ کنند که یک مدہ سوار برای وصول مالیات تخصیص داده شود بهترین متفرق است و آنوقت از داشتن این سوارهای موقتی هم مستثنی خواهیم شد لیکن تا این کار نشده است ما نمی توانیم آنها را از بین ببریم .

قسمت دیگر فرمایش آقایان مخصوصاً آقای حائری زاده راجع بتشکیلات بود میفرمایند که بدوات اجازه تشکیلات جدیدی داده میشود این را باید بداندند که اجازه تشکیلات وزارتخانه ها با دولت است و با مجلس شورای ملی نیست مجلس بلعید بطور کلی بودجه وزارتخانه ها را بموجب موادی که پیشنهاد میشود تصویب نباید ولی مسئول تشکیلات و قسمت آق هیئت دولت است دولت باید بگوید من فلان طور یا فلان ترتیب می کنم و فلان اداره را تأسیس یا حذف میکنم مجلس نباید بگوید چند اداره داشته باش چند اداره داشته باش این مسئولیت با خود دولت است و اگر مجلس بخواهد مداخله در تشکیلات بکند فقط از راه بودجه است و مداخلت دیگری بگوید اعتباری را که برای فلان اداره پیشنهاد کرده اند فلاقت زیاد است یا فلان قدر کم است و مجلس مطابق نظریات خودش بودجه را تصویب می کند .

ولی در جزئیات تشکیلات چه بچوچه نباید داخل شود یک قسمت دیگر از فرمایشات آقایان راجع بطرز وصول مالیات بود که فرمودند سابق با مخارج کمی وصول میشد و حالا برعکس است بنده عرض میکنم طریقه وصول مالیات را یکی از دو قسم باید در نظر گرفت یکی اینکه طرز وصول مالیات کاملاً سابق بطور مفاطمه باشد و یا اینکه بطریق فعلی اداری باشد و این دو طرز هم طرفدارانی دارد آنها که طرفدار مفاطمه هستند میگویند دولت همیشه از وصول مالیات خودش مطمئن است و مقدار معینی میگیرد و بصندوق دولت وارد می کند و هر وقت که محتاج پول بشود میتواند

از مفاطمه کاران خودش بطور مساعدہ بگیرد و رفع احتیاجات خودش را بکند .

بنابر این مفاطمه بهتر است و آن مفاطمه کار هم بمفاطمه کارهای جزء مینهد و مالیات را وصول کرده اما یک قسمت دیگر بکلی مخالف با طرز مفاطمه کاری هستند و می گویند دولت باید بداند از اشخاص و امالی چه می گیرد و مردم هم باید بدانند چه مقدار باید بدوات بدهند نه اینکه مفاطمه کاران هر چه می خواهند از مردم بگیرند .

البته باید مالیات جزء بجزء مطابق صورت جزء جمع معینی باشد که چقدر عاید دولت می شود و دولت هم رفع احتیاج خود را ممکن است از بانکها بنماید و برای اینکار یک قراری بگذارد و مفاطمه کار غلطی است .

بعد از این مقدمه عرض میکنم در سابق دو مملکت ما معمول بوده است که مالیات را مفاطمه می دادند یعنی دولت بهاکم مفاطمه میداد و بعد حاکم هم بمفاطمه کاران جزء میداد و آنها هم وصول می کردند و این ترتیب برای دولت سهل و ساده بود همیشه در آخر سال این حکام مالیات و ابواب جمع خودشان را وصول کرده و در مقابل هر چه میخواستند خرج تراشی می کردند و صورت میدادند ولی آنوقت عایدی دولت مطابق کتابچه هائی که هست از هفتد کروور تجاوز نمی کرد و در این صورت یک تفاوت هائی در بودجه حاصل شد مثلاً جنس های دولت همیشه یک نرخ نازلی از قرار خرواری یا زرده قران یا دو تومان تسمیر میشد هیچوقت جنس را مطالبه نمیکردند و بلاوه یک تعقیقات و یک چیز های دیگری هم بود که همیشه صرفه اشخاص منظور میشد و براتهای تغذیف در سال صادر میشد که حالا صادر نمی شود و یک نیولهای در کار بود که با اشخاص داده میشد وجه در کار نیست اگر چه تصدیق می کنم حالیه وضع ظاهر مالی خیلی دردم و برهم است ولی در معنی منافع دولت هم زیاده شده است امروز مالیات مابطوری که مکرر عرض کرده ام بیست و سه میلیون و کسری است باینکه ادارات مالی غیر مرتب و بواسطه هرج و مرج اداری خیلی هم تقریباً می شود حالا در این صورت آیا صرفه ما است که بمفاطمه برگردیم بعنوان اینکه مخارج ما کم میشود یا نه ؟

مطلب دیگری هست این مفاطمه کاران هم که امروز داوطلب هستند که می توانند مالیات را با یک مخارج نازلی وصول کنند فقط نظرشان همین است که ترتیبات سابق را مجری و معمول دارند و بعنوان تسمیر یا تغذیف یک منابھی بیرند و البته دولت هم از آنها قبول نمی کند پس دولت و مجلس اول کاری که باید بکنند ترتیب وصول مالیات را تعیین کرده و یک قانونی بنویسند که از این اوضاع دردم و برهم جلوگیری شود و دیگر احجاف و تعدی نشود آنوقت باین ترتیب اگر موفق بشویم برای وصول مالیات ده یک خرج کنیم خیلی باید معنون باشیم با صد پنج

و در همین که آقایان اشاره فرمودند مالیات وصول نمی شود و با این وضع آن قسمت از مؤدیان مالیاتی که بی زور و قوت هستند هر چه باید بدوات بدهند مینهند بلکه زیاده تر هم از آنها می گیرند اما منتقدین آنچه را که باید بدهند نمیدهند و علت این است که برای وصول مالیات یک قانون معین نداریم البته باید هر چه زودتر برای اخذ وصول مالیات قانون منظمی وضع کرد و لااقل ده یک آن را باید برای وصول مالیات مخارج قرارداد .

شاید در سنوات اول یکتدیری هم تجاوز بکند و زیاده تر بشود ولی طبیعتاً رفته رفته کم خواهد شد چنانچه اگر بحسابات و احصائیه کمرب رجوع فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که در سال اول چقدر مخارج داشته و چقدر عایدات و حالا چقدر شده است در اوایل تقریباً مخارج دو کروور بوده و عایدات تقریباً چهار پنج کروور بوده حالا مخارج یک کروور و عایدات تقریباً دوازده کروور است آیا غلتش چیست ؟

علت این است که متدرجاً مرتب شده است و رفت و رفتہ در تحت اصول معین در آمده است و امروز که دولت می خواهد مالیات را از اشخاص با رسم بگیرد تکلیف مردم را با خودش معین کند و از احجافات و تعدیات و وسائط مانع بشود و جزء جمع ثابتی تهیه کنند مثلاً بطوریکه آقای حائری زاده فرمودند یک مأمورینی که باید برای دولت پول بگیرند بآنها نمی شود گفت حقوق کمی گرفته و مالیات زیادی برای دولت وصول کنید و اینکه اشاره فرمودند با تمبر وصول مالیات ها سهل می شود چه تفاوت می کند برای دادن تمبر و گرفتن پول هم یک مدہ زیادی اجزاء لازم است در مالیات های غیر مستقیم ممکن است تمبر مصرف شود ولی باز تغذیف لازم است که تغذیف کرده بپیش در مقابل پولی که گرفته شده تمبر مصرف شده است باخیر زیرا مالیات غیر مستقیم صورت جزء جمع که ندارد تا از روی آن بتوان تشخیص داد چقدر مالیات گرفته شده است ولی مالیات مستقیم صورت جزء جمع لازم دارد که بطور صحیح نوشته شود و همان صورت بمنزله تمبر است و باز برای اینکه معلوم شود آنچه در صورت جزء جمع نوشته شده وصول شده است باخیر یک مدہ اشخاصی لازم است که پروند تغذیف بکنند کمیسیون بودجه بمنبھی را که برای این اشخاص و مخارج وصول مالیات تعیین کرده است دو میلیون و سیصد هزار تومان است که تقریباً دویک بیشتر نمی شود و این حداقلی است که امروز می توان برای مالیات مصرف نکرد و البته در موقعی که هیئت دولت صورت تشکیلات را بمجلس آوردند آنوقت باز رفت می شود که اگر بتوانیم یک چیزی از آن کسر کنیم در صورتی که بنده معتقدم صورتی را که بمجلس می آورند ما را قانع نخواهد کرد در حال بنده بعقبه ام این است که آقایان موافقت کرده و این اعتبار را تصویب کنند که وقت هیئت دولت زیاد تلف نشده و هر چه زود تر بودجه های جزء را تهیه بکنند به مجلس می آورند

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - تقریباً یک قسمتی از فرمایش بنده پس از فرمایش آقایان واضح شد ولی عرض می کنم ما امروز نمی توانیم بقیه همراه دوره های قدیم برگردیم البته وقتی که ما یاد داری تمدن و ترقی گذاشتیم باین ترتیب ممالک متدنه را در امور مقایسه کنیم و باید دید ممالک متدنه و آن مسالکی که چهار صد میلیون یا زیاده تر یا کمتر عایدی آنها است در آن ممالک برای وصول مالیات ها و مخارج مالی صد دوازده ملاحظه می کنند یا خیر

بنده آنچه از متخصصین دانشمندان می شنوم در خیلی از ممالک متدنه و متفکانه صد سیصد برای اداره کردن مالیات یا صد چهار بیشتر قرار نمیدهند خوب است - آقایان بطور انصاف نظر کنند که اگر کسی این - مملکت را بمنزله یک عائله تصور کنند که آن عائله در سال سیصد و هشتاد تومان عایدی داشته باشد آیا شصت و هشت تومان آن را بحساب نویس خود می دهند ؟ که ما هم از سی و هشت کروور عایدی شش کروور کسری برای مخارج وصول مالیات قابل شویم تصویب کنیم بنده کمیسیون بودجه را تنقید نمی کنم بلکه قدر شناسی هم میکنم البته در کمیسیون زحمت کشیده اند که از هفت کروور کسری بودجه پنج کروور آن رازده اند ولی عرض می کنم در سایر ممالک متدنه دنیا برای مخارج مالیات صد سیصد بیشتر منظور نمی دارند آنوقت مملکت ایران که امروز فقیرترین تمام ممالک دنیا است دست تصدیی اوبسی سایر دول دراز است و از دنیا جدید هم شروع باستقراض کرده خوب است برای اداره کردن مالیات خود بیش از سایر ممالک منظور ندارد بنده بخارم می آید خوب است مجلس بوزارت مالی اعتبار بدهد در حدود صد پنج ادارات خود را در مرکز و ایالات و ولایات تشکیل بدهند این بود نظریه بنده و بیش از این خاطر مبارک آقایان را ملول نمی کنم و تصدیق نمی دم

رئیس - آقایان مذاکرات را در ماده پنج کافی می دانند

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - گمال می بکنم حکامی السابق از قام خوانده شود بعد رأی بگیریم بهتر است

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده ۵ - پیشنهادی دولت وزارت مالی و کمر کات ۳۳۲۵۰۲۵ تومان سیصد و پنج خروار و بیست من گندم و چهار صد و چهل و خروار و شصت من جو - تصویب کمیسیون بودجه دو میلیون و سیصد و هزار تومان گندم و جو هم بکلی اسقاط شده است

رئیس - آقایانیکه ماده پنج را موافق پیشنهاد کمیسیون تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده هشت قرائت میشود (آقای تدین بشرح ذیل قرائت نمودند)

هم لازم است.

فقط ما در مملکت این پنج وزارتخانه را هم لازم داریم. وزارتخانه که امروز بشام داخله هست فقط مرکب است از یک عده اشخاص معتمد این مملکت که در هیچ اداره بواسطه نداشتن معلومات نمیتوانند داخل شوند و در این وزارتخانه داخل شده اند قبل از مشروطیت حکام مأمور وصول مالیات بودند در امور قضائیه دخالت میکردند. انتظامات بهمه آنها بود ولی پس از مشروطیت کارها تقسیم شد مثلاً امور قضائی با عدلیه شده است در صورتیکه ما می بینیم در ولایات رئیس قوه قضائیه حقوق ندارد و باید از تمول شخصی خودش اعانه کند در صورتیکه پذیرفتن قاضی هزار شرط دارد و ولی پذیرفتن مأمور وزارت داخله هیچ شرط ندارد و هر دزد بی سواد می تواند مأمور وزارت داخله بشود و برای غارتگری یک حکم را مدرک خودش قرار دهد و مردم را بچاپه و حقوق مردم را زیر پا بگذارد.

این حکامی که تاکنون این اندازه مال مردم را چاییده اند کدام مجازات را درباره آنها اعمال کرده اند و کدام یکشاهی را از آنها پس گرفته اند مثلاً پسر سردار ظفر بختیاری حکومت یزد بود و از بس اجعاف و تعدی کرد مردم بوزارت داخله متظلم شدند باهم قسم مدارک و اسناد و پس از نظرات زیادی کفیل وزارت داخله میگفت تا مندرکی صحیح در دست عارضین نباشد ادهای آنها را نتوانیم پذیرفت در صورتیکه یکی از مدارک آنها سندی است با مضای خود پسر سردار ظفر کسود و پنجاه هزار تومان از عیبت یزد گرفته و وزارت داخله می خواست اقلانین پول را از پسر سردار ظفر پس بگیرد.

بهر حال تا وقتی که وزارت داخله از این قبیل مأمورین نازد البته باید آن را خراب کرد و ایند رخت زهر دار را باید سوزانید

در سنه ۱۱۶۶ هجری قمری ۷۱۶ هزار تومان بودجه فرمانروایان بوده است بشم بچای دیگر کار ندارم و مسبوق نیست فقط بپرداز عرش میکنم که دوست پیچی قبل ۶۱۵۴۰ تومان بودجه قراقران آنجا بوده که هجده هزار تومان از آنرا کسر کرده اند در صورتی که شغل حکومت را که ممکن است رئیس تلگراف یا امین مالیه عهددار شود و هیچ اشکالی ندارد از آن هیچ کس نکرده اند اما اشخاص نظامی را که باید حقوق زیادتر بدهند تا حفظ انتظامات مملکتی را بنمایند از او کس میکنند فلان خان زاده باشا هزاره که برای حکومتش هزار واسطه تعیین میکند با وجود این حقوق او کسر نمیشود علت تمام این ترتیبات این است که در این مملکت اصول محافظه کاری در کار است امروز که ما کسر بودجه داریم و برای یک میلیون دلار دست گدائی بطرف آمریکا دراز می کنیم و باین بدبختی هستیم باید این وزارتخانه های زیادی را حذف کنیم تا وقتی که بوزارت معارف سی هزار تومان بپردازیم یا سی هزار تومان از آن بکاهیم چندان فرق نمیکند و خرابی و آبادی ندارد ولی وزارت داخله که

کرور بودجه او است باید حذف شود که هم کرور صرفه دولت است و بقدر پنجاه کرور هم مردم راحت میشوند ممکن است شغل حکومت را امین مالیه پارسی تلگراف عهددار شود.

آقای مخبر میفرمایند که تشکیلات مملکتی بما مربوط نیست و دولت عهددار این امر است من باز عرایض جلسه اسبق خود را تجدید می کنم این اعتبارات که بدولت داده میشود که تشکیلات مملکتی را درست کنند مگر چه چیز است؟

مخبر - اصلاح است
حائری زاده - مگر اجازه تشکیلات جدید بدولت داده نمیشود؟ کمیسیون بودجه خود را یک مهندس دانسته است و نقشه این مملکت را طرح کرده و بدست دولت داده است که اجرا کند و بنده مدعی هستم که این نقشه غلط است مملکت هشت وزارتخانه لازم ندارد و برای فوائد عامه که پنجاه و دو هزار تومان عایدات دارد شصت هزار تومان بودجه لازم نیست و غلط است دیگر مدعی ندارم

رئیس - آقای امین الشریعه
(اجازه)

امین الشریعه - آقای حائری زاده فرمایشاتی فرمودند و همان دلایلی که اقامه میفرمایند رد آن فرمایشات را می کنند زیرا خودشان میفرمایند مالیات را ملت میدهند و باید بمصارف خود ملت خرج شود این حرف صحیح است ولی باید ملت را شناخت و فهمید که چه اشخاصی هستند و کدام طبقه هستند و اساس ملت را چندی طبقه تشکیل میدهند؟

اساس ملت هر مملکت سه طبقه است: زارع، تاجر، کاسب بقیه تمام کارکن اینها هستند که باید آنها را بکار وادارند. پس باید مصارف مملکتی را از روی توده و جامعه ملت ترتیب داد (چنانکه آقای مخبر محترم اشاره فرمودند و خودتان هم در ضمن بیاناتتان تصریح فرمودید) بایستی قوانینی وضع میشود بمقتضای مصالح عمومی باشد نه بنظر شخصی البته ضوابط حکامی که در ولایات خارج از حدود خودشان رفتار می کنند موجب الغاء وزارت داخله و تشکیلات آن نخواهد بود در مقامی که صلاحیت دارد باید این تجاوزات را تعقیب کرد و از آنها جلوگیری نمود. باید مجلس و نمایندگان قوانینی که بیشتر اعمال و اقدامات آنها را محدود می کنند وضع کند و ناظر اجرای آنها باشد و باید یک قانون عمومی وضع نموده و مصالح عمومی را در نظر گرفت و بر روی آن حکم کرد و اما اینکه فرمودند وزارت داخله را باید لغو کرد و از بین برد لازم نیست باید در این باب فکر کرد زیرا این یک مطلبی نیست که در چنین مکانی که مرکز افکار عامه است گفته شود و اگر از این ستون رد بشود و مجلس اهمیت باین حرف ندهد معلوم نمیشود که این حرف موافق مصالح عمومی بوده یا نبوده. بنده عرض میکنم که اگر بخواهیم وزارت داخله را حذف کنیم آیا بجای آن باید یک تشکیلاتی بگذاریم

یا خیر باید مطلب را مدلل کرد اگر بشاید گذاشت آنوقت این مقصود که از وجود وزارت داخله داشته و داریم حاصل نمیشود و از بین می رود زیرا بودجه وزارت داخله منقسم بچهار قسم درشت است که عبارتند از تشکیلات وزارت و امنیه و نظمی و تشکیلات حکام ایالات و ولایات حالا اگر شما بجای یک تشکیلات را معتقد هستید که عملیاتی را که ما منتظر هستیم انجام دهند و آن نتیجه از این تشکیلات ثانوی حاصل شود باز همان است و فقط تغییر اسمی بآن داده ایم و تغییر اسم هم موثر نخواهد بود و اینکه فرمودید وجود حکام لازم نیست و وظائف حکام را باید تقسیم بسایر دوائر کرد باید فکر کرد که بچه دلیل قائل باین حرف بشویم آیا بوجود لفظی یا کتبی باید قائل باین حرف بشویم یا بخیالات و گفتن اگر به گفتن است بنده بالاتر از این را معتقدم و میگویم هیچکدام از این دوائر لازم نیست و باید ترقی نوع بشر طوری باشد که محتاج عدلیه و نظمی هم نباشد ولی نظریه روشی که دنیا سیر میکند باید بهمان روش حرکت کرد. طفلی که متولد میشود برحم بر نمی گردد و وقتی که برحم برنگشت قبل از بلوغ آثار بلوغ بر آن مرتب نیست و اگر بخواهیم افکار و احساسات بعد از بلوغ را از او نتیجه بگیریم احساسات او را خفه کرده ایم. بهمان دلیل است که اطفال مدرسه را در عین تعلیم و تربیت گاهگاهی برای تنفس سر میدهند که همان حرکات بچگانه را کرده تا احساسات آنها خفه نشود پس باید همین جهت را دلیل بر تکامل ملت قرارداد. اگر مقصود اظهار عقیده است بنده بالاتر از اینها معتقدم ولی باید اینجا دقت کرد و بجهلا وجود قائل شد چنانکه حکما و فلاسفه نیز قائل بوجود هستند.

لفظی - ذهنی - کتبی - عملی یا خارجی اگر سه وجود اولی مفید باشد باید قائل شویم که به تشکیلات هیچ احتیاج نداریم باید اخلاق نوع بشر طوری باشد که آسان سقف و زمین فرش بشی نوع بشر باشد. حدود و ثنور یعنی چه تمام اولاد آدم هستند سیر تکامل بشر هم همینطور پیش بینی می نماید. پس ما محتاج بوجود خارجی که وجود عینی است امروز وجود عینی اجازه نمیده که بگوئیم در مملکت ایران وزارت داخله لازم نیست و بحکام هم مثل روسای معارف یا نظمی ماها سند و پنجاه تومان بدیم و آنها را بیک نحو اختصار بولایات بفرستیم ولی باید وظائف آنها را معین کرد ناظر باعمال آنها بود و هر کدام از حدود وظایف خود خارج شدند باید آنها را مجازات نمود چرا بواسطه اینکه باید مطالب را از هم تفکیک کنیم بعضی فرمایشات است که از این مبز نطق خارج نمیشود و بعضی هم هست که از این دلب دلب بهارستان بیرون می رود و وارد هیئت دولت میشود ولی وزراء که میخواهند کار کنند آنوقت از آنها بیرون نمیرود مرتبه سوم مرتبه همل و مقتضیات است. ایران دارای مالک و یررضی و طولی است دارای ایالات و عشایر نجیب و

حکامی ندارد پس اگر ما محتاج بحکومت باشیم باید یک حکومتی را قائل باشیم که نسبت بقراء و ضغفاء ظلم و تعدی نکند و اموال مردم را بزور ارا آنها نگیرد ما نباید خودمان را گول بزنیم.

اگر در مملکت ما قانون هست پس چرا نسبت بیک طبقه هادی مملکت آن قانون مجری است و نسبت بیک طبقه دیگر مجری نیست ملاحظه می کنید در روزنامهجات که مدعی العموم اینهمه اقامه دعوی میکنند غالبش اینطور است که فلانکس یا حسین دلاک بهرم فحاشی بحکومت است ولی نسبت بیکی از مأمورین دولتی و یا وزارت داخله که صدهزار تومان مال مردم را سیرند هیچگونه اقامه دعوائی در روزنامهجات ندیده ایم هنوز ابدأ ندیده ایم که یکی از این قبیل مردم را در تحت معاکمه آورده باشند یا اداره مدعی العمومی ما کدر سال مبالغی پول می گیرد و از تمیسات آنها جلوگیری کرده باشد پس مجبوریم در اینجا اول قدمی را که بر می داریم یک کاری کنیم که تا اندازه که ممکن است جلوگیری از مطالب حکام و تعدیات آنها بشود و وظایف آنها را معین و عملیات آنها را محدود کنیم در اینجا آقای رئیس الوزرا یک چیز دیگری ذکر کردند که بر مخالفت بنده افزود و آن مسئله قراقران بوده که فرمودند سالی هفتصد هزار تومان از برای آن تعیین شده است در صورتیکه برای طرق و شوارع اقلاً باید یازده یا شانزده هزار قراقران یا ژاندارم داشته باشیم و این هفتصد هزار تومان چهار پنج هزار نفر را بیشتر کفایت نمیکند و البته این عده قبل نمی تواند تمام طرق و شوارع را کاملاً محافظت کنند بعضی س اگر به ترتیب سابق قراقرانی جزء اداره حکام باشد بر بدبختی های ما بیشتر افزوده میشود زیرا سابق معمول این بوده است که حکام حقوق آنها را می خوردند و از آنها اضافه هم می گرفتند لابد قراقرانها هم باشند مجبور خواهند بود چپاول و دزدی کنند و اقسام و انواع مختلف از سایرین پول بگیرند باین مناسبت عرض میکنم که اگر ممکن میشود فقط برای نظمی و بلدی و حکام یک حقوقی معین کنند و بقیه آنها بدهند بوزارت داخله یا بوزارت جنگ که یک امنیه صحیحی تشکیل بدهند. اگر چه در تحت نظر وزارت داخله هم طوری بکنند که مرتب و منظم باشد نه آن طوری که در تحت نظریات حکام بوده است.

مخبر - اولاً بنده ذکر می از اروپا کردم از نقطه نظر اساسی بود و در جواب آقایانی گفتم که میخواستند بگویند وزارت داخله زیاد است و بسا بد حذف شود والا میدانم و نمایند محترم هم تصدیق دارند که بنده معتقد نیستم که طرز حکومت ولایه در این مملکت شبیه به حکومت های اروپائی است. خیر بلکه اگر در مقام مقایسه برآیم باید بالاتر از این عرض می کنم و از آقای محترم شوال می کنم کدام یک وجه قسم از کارهای ما (که همه صرف تقلید است) توانسته است شباهت بیکی از تاسیس اروپا پیدا کند تا این یکی را گفته باشیم.

اگر کسی خودش را موظف بداند و به صفات تاریخ نظر افکند خواهد دید که در تاریخ قرون وسطی

شریر است البته هر طبقه نجیب دارد شریر هم دارد ایران دارای کرده ها و مردان سلحشور افسار گسیخته و مسلح است همه ایرانیها اهل طهران و هیئت مقننه دارالشورای ملی نیستند که از روی قانون حرف بزنند. وقتی که در کرده ها و صغاری و براری تماشا کردیم می بینیم که احشام دولت را همان حکام که نمایندگان با عظمت دولت هستند حفظ میکنند بیشتر این ملت را مردمانی تشکیل میدهند که با بودن جمیع دوائر عدلیه و نظمی و غیره باز وقتی که حاکم معزول میشود مثل ایست کدست و پای آنها باز شده و پتی شرارت را میکنند و تمام متوجه این هستند که حکومت جدید کی است هر ضه دارد پانه قدرت دارد پانه کافی است یا اینکه میشود دندانش را شمرد اگر بگویند در موقع ظاهر یک نفر با او تهاز میخورد دیگر باو اعتنا نمی کنند آنها را که اهل ولایات هستند و سیر آفاق را کرده اند خوب ملتفت این نکات و دقایق هستند ولی آنها را که از طهران بیرون رفته اند نمی توانند مقررات و مقتضیات مملکت را بفهمند که در موقع عمل چرخ ادارات بدون وجود حاکم معتبر به کل فرو میرود و بیرون نمی آید. بعضی مطالب هست که در عالم خیال مقدس و شمع است لیکن عملی نیست. اگر فقط برای گفتن است بنده بالاتر از آن را میگویم

ولی در موقع عمل ما محتاج هستیم بوزارت داخله و سایر دوائر وزارتخانه ها و حکام معتمد و فعال فوق العاده اما در عین حال باید حقوق مردم را هم حفظ کرد و حکام باید از وظائف قانونی خود خارج نشوند و از سوء رفتار آنها کاملاً جلوگیری نمود و چون غالب مطالب دیگر را هم سایر آقایان فرمودند دیگر بنده عرض نمیکنم

رئیس - اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود؟ انتخاباتی که باید در جلسه قبل بشود فراموش شده حالا که تشریف می برند بیرون اعضایی که باید برای کمیسیون تعیین شوند معین بفرمائید

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده در موقعی که در کلمات بودجه غور میشد نظریات خود را در باب وزارت داخله عرض کردم و آقایان هم نظریات خودشان را بیان فرمودند لیکن در اینجا چون آقای مخبر فرمودند که در همه جای دنیا تشکیلات وزارت داخله هست و چگونه میشود نباشد بنده هم ناچارم که عرض کنم که در هیچ جای دنیا مثل ما حکام ندارند و اگر بفرمایند مثل ما حکام ولایات دارند بنده بکنی تکذیب میکنم.

آنها البته در تحت یک قانون و انتظامی ولای دارند که وظایف خودشان را انجام میدهند نه اینطور حکامی که ما میفرستیم که مختار و فعال میباشند و مستند و هر کاری که میخواهند می کنند هیچ جای دنیا همچو

یا در قرون جدید نمیتواند یک موقعی پیدا کند که وضعیت داخلی مملکت ما با ممالک اروپا مشابهت داشته باشد.

اگر این مطلب را خارج از موضوع عرض کردم برای این بود که این ایراد مقایسه که فرمودند بر بنده وارد نیست.

اما در اینکه فرمودند وزارت داخله بواسطه بی اعتدالی حکام باید حذف شود بنده هم معتقدم که ظلم و بی اعتدالی در این مملکت زیاد است و این مطلب واضح و مبهرن است و بهیچوجه محتاج باستدلال نیست ولی این معایب بواسطه نبودن تشکیلات منظم است باید قدمهایی برداشت که از این تعدیات جلوگیری نمود و وجود ما به در اینجا برای همین کار است و هر اندازه که میشود باید از این بدبختی جلوگیری کنیم پس بنابر این چه باید کرد؟ آیا باید از بودجه وزارت داخله کسر بکنیم (بقول شاهزاده سلیمان میرزا اینجا قضیه فتوی است) بنده فتوایم این نیست آقایان دیگر مختارند اما قضیه قراقرانی و مسائل راه که آقای رئیس الوزرا اشاره کردند مقصودشان این بود که در بودجه وزارت داخله یک عنوانی هم باسم قراقرانی دارد. حالا اگر از اظهار ایشان این نتیجه را نمیخواهیم بکنیم.

تمام نقاط مملکت حفاظتش با آنها است اینطور نیست و ظاهر آقایان باید متذکر باشند که در چندی قبل ما یک تشکیلات ژاندارمری داشتیم و این تشکیلات موظف بودند که در تمام نقاط پست داشته باشند و ژاندارمری هم یک مدتی خوب اداره میشد بعد چار یک مصیبتها و یک فترت هایی شد و این تشکیلات علاوه بر حفاظت راه و قراقرانی یک نوع وظیفه دیگری هم پیدا کرده بود یعنی حقیقتاً شون هم شده و نظریات این ترتیب بود که اخیراً ژاندارمری را با کلیه تقسیمات دیگر نظام یکی کردند و یک اداره قشونی درست کردند بهر حال مسلم است آقای رئیس الوزرا مطالبات خواهند فرمود که در حدود این اعتبار بودجه برای وزارت داخله بنویسند و باین ترتیب چندی که در وزارت جنگ پیش آمده ناچار خواهند بود که یک مذاکراتی بکنند که اینکار بیک قسمت از قشون تعلق بگیرد یا اینکه یک ترتیب دیگری داده شود ولی بحث در این موارد عیاناً زود است ما باید صبر کنیم و به بینم پس از مطالبات و تبادل نظر و وزارت جنگ و اداره قشونی چه رویه را اتخاذ خواهند نمود و البته تصدیق می فرمایم که برای دولت هنوز ممکن نشده است آن مطالبات را بکنند و همان وقت هم کژاندارم داشتیم باز در بودجه وزارت داخله یک اسم قراقرانی بود و این اسم برای این بود که در نقاطی که ژاندارمری توسعه پیدا نکرده بود ژاندارم در آنجا نبود در بودجه وزارت داخله باین اسم حقوقی گرفته میشد این فرمایش را هم که آقای رئیس الوزرا در خصوص قراقرانی فرمودند راجع بآن قسمت بود حالاً در آیه این امر بجه ترتیب منظم خواهد شد مطلبی است که